



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

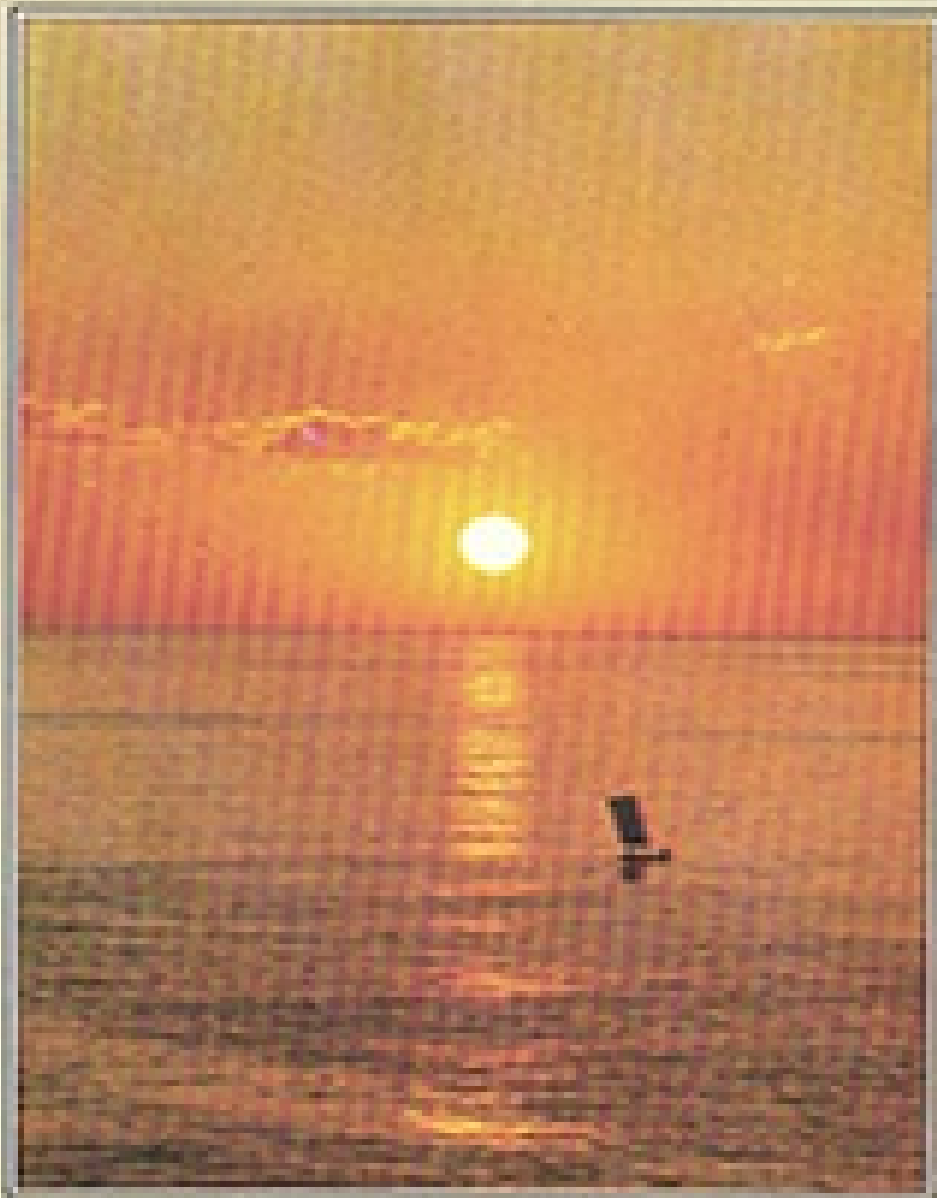
گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

چهل حدیث پیرامون
نور یزدان



پیشانی لکچر میڈیا پبلیشرز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل حدیث پیرامون نور یزدان

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

حاذق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	چهل حدیث پیرامون نور یزدان
۸	مشخصات کتاب
۸	چهل حدیث پیرامون نور یزدان
۱۲	مطلع نور
۱۸	گزارش نور
۲۲	سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون
۲۴	رؤیائی سرنوشت ساز
۲۸	دختر قیصر در دودمان پیمبر
۲۹	چند نکته
۴۰	میلاذ نور
۴۸	چهل حدیث
۴۸	اشاره
۴۹	حدیث اول
۴۹	حدیث دوم
۵۰	حدیث سوم
۵۱	حدیث چهارم
۵۱	حدیث پنجم
۵۲	حدیث ششم
۵۲	حدیث هفتم
۵۴	حدیث هشتم
۵۴	حدیث نهم
۵۶	حدیث دهم
۵۶	حدیث یازدهم

۵۸	حدیث دوازدهم
۵۹	حدیث سیزدهم
۶۰	حدیث چهاردهم
۶۱	حدیث پانزدهم
۶۱	حدیث شانزدهم
۶۳	حدیث هفدهم
۶۳	حدیث هجدهم
۶۴	حدیث نوزدهم
۶۴	حدیث بیستم
۶۶	حدیث بیست و یکم
۶۶	حدیث بیست و دوم
۶۷	حدیث بیست و سوم
۶۹	حدیث بیست و چهارم
۷۰	حدیث بیست و پنجم
۷۱	حدیث بیست و ششم
۷۱	حدیث بیست و هفتم
۷۲	حدیث بیست و هشتم
۷۳	حدیث بیست و نهم
۷۳	حدیث سی ام
۷۴	حدیث سی و یکم
۷۵	حدیث سی و دوم
۷۶	حدیث سی و سوم
۷۷	حدیث سی و چهارم
۷۸	حدیث سی و پنجم
۷۹	حدیث سی و ششم
۸۱	حدیث سی و هفتم

۸۲ حدیث سی و هشتم

۸۳ حدیث سی و نهم

۸۴ حدیث چهلیم

۸۴ منابع و مأخذ

۹۰ فهرست احادیث

۹۵ درباره مرکز

چهل حدیث پیرامون نور یزدان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چهل حدیث پیرامون نور یزدان / علی اکبر مهدی پور، ۱۳۲۴

مشخصات نشر: قم: نشر حاذق، ۱۳۷۲.

مشخصات ظاهری: ص ۱۲۰

شابک: ۷۵۰ریال

یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۷۲ تحت عنوان "چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا علیهاالسلام" توسط نشر حاذق نیز منتشر گردیده است

یادداشت: کتابنامه: ص ۱۱۶ - ۱۰۷

عنوان دیگر: چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا علیهاالسلام

موضوع: م ح م د بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - احادیث

موضوع: اربعینات - قرن ۱۴

موضوع: احادیث شیعه - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: BP۵۱ / م ۹ پ ۹ ۱۳۷۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۲-۳۷۷۶

چهل حدیث پیرامون نور یزدان

یا اباصالح المهدی ادرکنا

ای نور یزدان، ای مهر تابان، ای فروغ بی پایان، ای خورشید همیشه فروزان.

ای پرچم نجات در آغوش، ای چشمه سار عاطفه رانوش، ای غائب ناگشته فراموش.

ای هر کجا فساد، تو هادم. ای هر کجا نظام، تو ناظم. ای هر کجا قیام، تو قائم.

ای همه غمها را تو پایان، ای همه دردها را تو درمان، ای همه نابسامانی‌ها را تو سامان.

تو بیا تا ز پر تو رویت، شب تاریک سحر گردد. ورنه ای مهر تابان، بی تو هر لحظه تیره تر گردد.

من در این غار خسته و دل‌تنگ، انتظار ترا ستاره کنم. در شب تار وحشت زاء، لحظه‌های ترا شماره کنم.

گر بیائی ستاره‌های سحر، در نگاه تو رنگ می‌بازند. گر بیائی کبوتران امید، لانه‌ها را دوباره می‌سازند.

آه ای اشتیاق بی پایان، تو بیا تا که عشق جان گیرم، زیر زنجیر آهنین شکیب، دست لرزان ما توان گیرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

ماه پانزده شبه دامن خود را جمع کرده میدان آسمان را ترک می‌گفت و هاله آن با نمای اندوهباری همچون اشک از چشم

آسمان

می غلطید.

تاریکی اندام سنگین خود را به ماوراء افقها می کشید و لحظه ای بعد در و دیوار شهر تاریخی «سامرا» نقاب سیاه ظلمت را کنار زده، سپیده دم پیشانی خود را به ریگزارهای تفتیده صحرا و گردونه تپه ها می سائید.

نسیم صبحگاهی بوسه بر لب دجله و صورت نخلهای پیر و جوان می زد. گوئی دنیا می خواست جلال و شکوه خاصی به خود بگیرد.

اولین اشعه طلایی روز، چون تیری خون آلود سینه سیاه افق را شکافت. صدای مؤذن اوج گرفت و در همه جا طنین انداخت:

اللَّهُ اكْبَرُ، اللَّهُ اكْبَرُ

هنوز ندای عظمت خدا گوش جان را نوازش می داد که در یکی از خانه های شهر تاریخی «سامرا» کودکی به دنیا آمد که او نیز بی درنگ سرود عظمت خدا را به لب راند. انگشت سبابه خود را به سوی آسمان بلند کرد، عطسه نمود و فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»

- غیبت شیخ طوسی ص ۱۴۷، کمال الدین ص ۴۳۰، اعلام الوری ص ۳۹۵.

پدر در حالی که موج نشاط از جام چشمانش فرو می ریخت فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ آرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقًا وَخُلُقًا، يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي عَيْتِهِ، وَيُظْهِرُهُ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأْتُ جُورًا وَظُلْمًا»:

«سپاس و ستایش خداوندی را که مرا زنده نگه داشت، تا جانشینم را که از منست، و در سیرت و صورت شبیه ترین مردم به رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - است با چشم خود بینم.

خدایش او را در پشت پرده نگه می دارد و

سپس ظاهر شود و زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنانکه پراز ظلم و ستم شده است»

- اعلام الوری ص ۲۹۱، کفایه الأثر ص ۲۹۱.

شادی و سرور بر همه جا دامن کشید، برق شعف از دیدگان مادر بیرون می زد آب در گلوی حکیمه خشکیده بود. حیرت و تعجب بر چهره ها نقش شگفت زده بود، نفس ها از سینه ها بیرون نمی آمد و اشکی از شوق و تعجب در چشمها گردش می کرد.

فضیلت و شرف چون سایه ای سنگین بر سر مولود بال گسترده بود، و در سیمایش موجی از لبخند در دریای اشک شنا می کرد.

کسی جرأت نمی کرد به نوزاد نزدیک شود که او دنیائی از عظمت را با خود آورده بود.

او پیش از آفتاب چشم به این جهان گشود تا همیشه آفتاب را پشت سر قرار دهد.

بدین ترتیب تولد شگفت انگیزترین انسان تحقق یافت و بدین سان روشنگر شبهای ظلمانی، ویرانگر بنیان های عدوانی، بنیانگذار حکومت واحد جهانی، بر اساس ارزشهای آسمانی، پای بر عرصه گیتی نهاد.

و این لحظه پرشکوه در پگاه نیمه شعبان ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد.

و اینک ما که در آستانه یک هزار و یکصد و شصتمین سالروز میلاد مسعود آن نوریزدان، خورشید فروزان، وارث پیامبران، پیشوای صالحان، بنیان کن کاخ ستمگران، احیاگر احکام حیات بخش قرآن، یکتا بازمانده از حجتهای خداوند منان، حضرت مهدی صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قرار گرفته ایم، از پیشگاه حضرت احدیت مسئلت داریم که بر صدیقه کبری فاطمه زهرا - سلام الله علیها - منت بگذارد و از باقی مانده دوران غیبت کبری صرف نظر

فرماید، و در ظهور خونخواه محسنِ فاطمه، و دیگر مظلومان و ستمدیدگان در راستای تاریخ تعجیل نماید، و تفضلاً نام مؤلف و ناشر و همه خوانندگان این اثر ناچیز را در لیست یاران واقعی آن حضرت در دولت کریمه اش ثبت فرماید.

مطلع نور

در میان میلیونها بانوی پرده نشین که در نیمه قرن سوم هجری در شرق و غرب جهان در سرا پرده عفت و پاکی جای داشتند، آفریدگار جهان تنها در یکی از آنان این لیاقت و شایستگی را به ودیعت نهاده بود که وعاء نور یزدان قرار بگیرد، به سرا پرده خاندان عصمت و طهارت راه یابد، و خورشید فروزان امامت از برج او طالع گردد.

جالبتر این که بانوی بی همتا، ملکه دو سرا، مادرِ یوسف زهرا، و وعاء نور خدا، دخت یسوعا و از تبار حواریون حضرت عیسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - انتخاب شده است.

خداوند حکیم از روی حکمت بالغه اش مادرِ فرمانروای جهان هستی حضرت حجه ابن الحسن المهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را از کاخ امپراطوری قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیده است.

آنجا که کسری و قیصر درهم می آمیزد:

فرعون دهها هزار کودک را سر برید تا از تولد حضرت موسی علیه السلام جلوگیری کند ولی خدا خواست که حضرت موسی در خانه فرعون زندگی کند و پرورش یابد و سرانجام طومار عمر فرعون به دست او درهم پیچد.

کسری و قیصر نیز قرنهای با مسلمانان جنگیدند تا از گسترش اسلام در بلاد پارس و بیزانس جلوگیری کنند ولی خدا خواست که در هم کوبنده اکاسره و قیصره از تبار کسری و قیصر

باشد، و اینک به دو حدیث زیر توجه فرمائید:

۱ - یزدگرد به هنگام فرار از مدائن - پس از جنگ قادسیه - در برابر ایوان مدائن ایستاد و گفت: «ای ایوان خداحافظ، من رفتم ولی به سوی تو باز می‌گردم، خودم و یا یکی از فرزندانم که هنوز هنگام ظهورش نرسیده است».

سلیمان دیلمی می‌گوید: «به خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: تعبیر «یا یکی از فرزندانم» در گفتار یزدگرد چیست؟ فرمود:

«ذَلِكَ صَاحِبُكُمْ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي، قَدْ وُلِدَهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وُلْدُهُ»:

«مقصود از آن صاحب شما حضرت قائم علیه السلام است که به فرمان خدا قیام خواهد کرد، او ششمین فرزند من و از تبار یزدگرد است».

- بحار، ج ۵۱ ص ۱۶۴.

« آخرین پادشاه ساسانی، (متوفای ۳۱ هجری) می‌باشد.

۲ - هنگامی که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: «قائم آل محمد چه کسی است؟» فرمود:

«الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَئِمَّةِ»:

«او چهارمین فرزند از تبار منست، او فرزند بانوی کنیزان است».

- اعلام الوری، ص ۴۰۸.

و هنگامی که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «قائم آل محمد کیست؟» فرمود:

«يَا بَابِصِيرُ، هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَئِمَّةِ»:

«ای ابا بصیر، او پنجمین فرزند از تبار پسر موسی (بن جعفر) است، او پسر بانوی کنیزان است».

- بحار، ج ۵۱ ص ۱۴۶.

هنگامی که امام صادق و امام رضا - علیهما السلام - از مادر حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - سخن می‌گفتند، حضرت نرجس خاتون هنوز به دنیا نیامده بود، و شاید پدرش «یشوعا» نیز دیده به جهان نگشوده بود.

نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون

ملکه دو سرا، و همسر بی همتای امام عسکری علیه السلام نه اسم نوشته اند:

ملیکه، حکیمه، سبیکه، نرجس، سوسن، مریم، ریحانه، خمط و صقیل

- روزگار رهائی، ج ۱ ص ۱۷۷.

تعدد اسامی معمولاً به جهت شخصیت فوق العاده صاحب نام است، چنانکه امام صادق علیه السلام به هنگام شمارش مناقب حضرت زهرا - سلام الله علیها - می فرماید: برای حضرت فاطمه در نزد خداوند متعال نه اسم است:

فاطمه، صدیقّه، مبارکه، طاهره، زکّیه، رضیّه، مرضیّه، محدّثه و زهرا

- امالی شیخ صدوق، ص ۴۷۴.

به هنگام ولادت، پدر و مادرش او را «ملیکه» نام نهادند ولی آنها غافل بودند که چه اسمی با مسمی برای فرزند خود برگزیده اند، - دلائل الامامه، ص ۲۴۶، غیبت طوسی ص ۱۲۵.

و او روزی ملکه دو سرا خواهد بود، او به حق شایسته این نام است.

هنگامی که او به اسارت مسلمانان در آمد خود را «نرجس» معرفی نمود تا احدی از اسرار او آگاه نشود، و شاهزاده بودنش - کمال الدین، ج ۲ ص ۴۲۳، روضه الواعظین، ج ۱ ص ۲۵۵.

آفتابی نگردد.

چون به خاندان عصمت و طهارت راه یافت او را با نامهای مختلفی صدا زدند تا جاسوسان خلیفه عباسی بر شرافت نسب او واقف نشوند و متوجه نشوند که او همان صدف سیمین آفرینش است که یکتا گوهر جهان خلقت از او خواهد بود.

و اینک نگاهی گذرا بر اسامی گرامی آن حضرت:

۱ - «نرجس»: نام گلی از رده تک لپه ییها، و سر دسته گیاهان تیره نرگسی می باشد، که گلهایش منفرد و در انتهای ساقه قرار دارد و به جهت زیبایی فوق العاده اش چشم معشوق را به آن تشبیه

می کنند.

- فرهنگ معین، ج ۴ ص ۴۷۰۲.

گل حضرت نرجس خاتون نیز در جهان خلقت منفرد است و در انتهای این جهان قرار دارد و همه عاشقان در آرزوی گوشه چشمی از آن محبوب گمگشته به سر می برند، به یادش زنده اند و در فراقش جان می سپارند.

۲ - «سوسن»: نیز گلی فصلی و دارای گل‌های زیبا و درشت به رنگ‌های مختلف است. اصل این گل از اروپا و ژاپن و آمریکای شمالی و هیمالیاست.

- همان مدرک، ج ۲ ص ۱۹۵۴.

اما گل جناب سوسن، گل همیشه بهار است که گذشت زمان و موسم خزان هرگز از طراوت او نگاهد، و اصل او از جهان علوی است و نور مقدّسش از اشعه انوار قدسی است، چنانکه پیامبر اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - تعبیر می فرماید:

«بَابِي وَ أُمِّي سَمِيَّةٌ، وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النَّوْرِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ»:

«پدر و مادرم به فدای او باد که همانم منست و شبیه من و حضرت موسی بن عمران است هاله ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته، اشعه انوار قدسی از او ساطع است».

- کفایه الاثر، ص ۱۵۹.

نسب او از طرف پدر به شرق و از طرف مادر به غرب منتهی می گردد.

۳ - «سبیکه»: طلای ناب و نقره خالص را گویند که پس از گداخته شدن ناخالصی های آن جدا گردد و طلای ناب و نقره خالص به صورت شمش در قالبها ریخته شود.

- لسان العرب، ج ۶ ص ۱۶۲.

او در پایتخت بیزانس در عشق امام عسگری علیه السلام گداخته شد و همه ناخالصی های امپراطوری روم به دست

کیما اثر حضرت زهرا - سلام الله علیها - از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد.

۴ - «حکیمه»: بانوی دانشمند، فیلسوف و فرزانه را گویند. و او بانوی فرزانه ای است که علم و حکمت را نخست در پایتخت بیزانس از معلم خصوصی و عرب زبان فرا گرفته، سپس فرائض دینی و سنن اسلامی را از پیشگاه «حکیمه» دخت گرامی امام جواد - غیبت شیخ طوسی، ص ۱۲۸، کمال الدین، ج ۲ ص ۴۲۳.

علیه السلام آموخته است.

- دلائل الامامه، ص ۲۶۷، بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۰.

۵ - «ملیکه»: به معنای ملکه و شهبانوست، و او مادر فرمانروای جهان هستی است، که همه سلاطین روی زمین پیشانی ادب بر آستانش می ساینند.

۶ - «مریم»: نام مادر گرامی حضرت عیسی علیه السلام است، و او مادر منجی جهان بشریت است، که حضرت عیسی علیه السلام، به اتفاق علمای شیعه و سنی به او اقتدا کرده در پشت سرش به نماز خواهد ایستاد.

- مصنف ابن ابی شیبه، ج ۱۵ ص ۱۹۸ (حدیث ۱۹۴۹۵).

۷ - «ریحانه»: هر گیاه خشبو و معطر، دسته ریحان، دسته شاهسپرغم، صعتر هندی، روزی، رحمت، و نوری را گویند که در اثر ریاضت در انسان حاصل شود.

- فرهنگ معین، ج ۲ ص ۱۷۰۲.

وه چه نامی مناسب با مادر ریحانه وجود، که همه جهان معطر از عطر او، هر غمی زدوده با یک نگاه او، هر دردی شفا یافته از صعتر کوی او، جمله خلائق بر سر سفره عام او، جهان هستی به طفیل عنایت او، و مهر و ماه منور از فروغ روی او.

۸ - «خَطَط»: نام درختی

است که میوه خوردنی دارد، و به هر چیز تازه و خشبو، و به دریای خروشان گفته می شود. و همه ی این - لسان العرب، ج ۴ ص ۲۲۰.

تعبیرات با آن بانوی بی همتا تناسب دارد.

۹ - «صَیْقِل»: هر شیء نورانی، صیقلی و جلا داده شده را می گویند. شیخ طوسی و شیخ صدوق می فرمایند: «پس از آنکه حضرت نرجس خاتون به ولی عصر - ارواحنا فداه - حامله شد او را صقیل نام نهادند».

- غیث طوسی، ص ۲۴۱، کمال الدین، ج ۲ ص ۴۳۲.

علامه مجلسی پس از نقل فراز بالا از شیخ صدوق، می فرماید: «نرجس خاتون پس از آنکه به آن وجود نورانی حامله شد، هاله ای از نور و ضیاء او را فرا گرفت، آنگاه به جهت این نورانیت فوق العاده او را صقیل نام نهادند».

- بحار، ج ۵۱ ص ۱۵.

اگر بنا باشد نور فاطمه زهرا - سلام الله علیها - در پیشانی حضرت خدیجه - علیها السلام - هویدا باشد، نور یوسف زهرا چرا در پیشانی حضرت نرجس خاتون ساطع نباشد؟ در حالی که او نور یزدان و مهر فروزان است و به هنگام تولد نوری از او ساطع شده که همه اطراف و اکناف جهان را تا آفاق آسمان روشن نموده است!!

- کمال الدین، ج ۲ ص ۴۳۱.

و اینک در پی آنیم که بینیم ریحانه قیصر چگونه ریحانه پیمبر شد؟! و اینهمه راه دور و دراز را از هفت تپه قسطنطنیه تا کرانه های سامره چگونه پیمود؟ و سرانجام تعلقات خود را از خاندان قیصر چگونه گسست و به دودمان پیامبر پیوست؟!

گزارش نور

گزارش دقیق و مستند از

حوادث شگفت در امپراطوری روم، و مسافرت پر ماجرای ملکه دو سرا، از کرانه های دریای مرمه تا ساحل سامره را در ضمن حدیثی مورد اعتماد و استناد، از زبان آن خاتون دو جهان می شنویم:

شیخ صدوق در کمال الدین، شیخ طوسی در غیبت، طبری در دلائل الامامه، ابن شهر آشوب در مناقب، نیلی در منتخب، ابن فتال نیشابوری در روضه، شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداه، سیدهاشم بحرانی در حلیه الابرار و علامه مجلسی در بحار، مشروح این گزارش را از بشر بن سلیمان، از اصحاب امام هادی علیه السّلام روایت کرده اند، که ما متن کامل گزارش را از دو سند نخستین، کمال الدین و غیبت ترجمه و نقل می کنیم:

بشر بن سلیمان نخّاس، از نسل «ابوایوب انصاری» که از اصحاب و ارادتمندان امام هادی و امام عسکری - علیهما السّلام - بود و به خرید و فروش غلام و کنیز اشتغال داشت می گوید:

سرور من ابوالحسن، حضرت هادی علیه السّلام، احکام مربوط به خرید و فروش بردگان را به من آموخته بود، من نیز معمولاً بدون اجازه ایشان خرید و فروش نمی کردم، و از موارد شبهه اجتناب می کردم. کم کم در این زمینه شناخت من کامل شد و موارد حلال را از موارد شبهه ناک شناختم.

شبی در سامرا در خانه ام، که در نزدیکی منزل امام هادی علیه السّلام قرار داشت، نشسته بودم، پاسی از شب گذشته بود که در خانه ام کوبیده شد. شتابان به سوی در خانه رفتم و در را گشودم، «کافور» خادم و فرستاده امام هادی علیه السّلام بود که مرا به حضور ایشان فراخواند.

لباس پوشیده به

خدمت آن حضرت شتافتم، چون وارد خانه شدم دیدم که با فرزند بزرگوارش امام حسن عسکری - علیه السّلام - مشغول گفتگو است، و خواهرش حکیمه پشت پرده قرار داشت.

همین که نشستم فرمود: «ای بشر تو از اعقاب انصار هستی، محبت و دوستی ما همواره در دل‌های شما پایدار بود، و هر نسلی از شما محبت و موَدّت ما را از نسل پیشین به ارث برده است. و اینک من می خواهم رازی را با تو در میان بگذارم و ترا دنبال کاری بفرستم، و از این طریق با فضیلت ویژه ای ترا گرامی بدارم، که در این فضیلت گوی سبقت را از همه شیعیان ببری».

آنگاه نامه ظریفی را به زبان رومی و به خط رومی نوشت و مهر خویش را بر آن زد. سپس چننه زردی را بیرون آورد که در آن ۲۲۰ دینار بود. نامه و چننه را به من داد و فرمود:

اینها را بگیر و به سوی بغداد عزیمت کن و پیش از ظهر فلان روز در گذرگاه «فرات» حضور پیدا کن.

- آقای قزوینی به جای «فرات»: «صیراه» تعبیر نموده (الامام المهدی ص ۱۲۰) و آن نام دو رودخانه در بغداد بود [معجم البلدان، ج ۳ ص ۳۹۹].

هنگامی که قایق‌های حامل بردگان رسید و کنیزان پیاده شدند، گروه بسیاری از خریداران را مشاهده می کنی که از طرف فرماندهان عباسی دور آنها را گرفته اند، در آن میان تعداد اندکی نیز از جوانان عرب را می بینی که به قصد خرید حضور یافته اند.

تو در آن روز از دور مواظب برده فروشی به نام: «عمر بن یزید» باش، تا هنگامی که

کنیزی را با این خصوصیات، در حالی که - در کمال الدین و نسخ چاپی غیبت طوسی «عمر» ثبت شده، ولی در دلائل الامامه و نسخ خطی غیبت طوسی «عَمرو» آمده است.

دو جامه حریر تازه، خوشرنگ و درشت بافت بر تن دارد، برای فروش عرضه کند.

خواهی دید آن کنیز اجازه نمی دهد که هیچ خریداری نقاب از چهره اش باز گیرد، یا جامه از تنش کنار زند، و یا اندامش را لمس کند.

در آن هنگام برده فروش در صدد آزار او بر می آید و او سخنی به زبان رومی می گوید و فریاد بر می آورد. معنای سخنان او اینست که از حال خود شکوه می کند و از کشف حجابش بر حذر می دارد.

در این هنگام یکی از خریداران خواهد گفت: «من این کنیز را به سیصد دینار می خرم، زیرا عفت و پاکدامنی او موجب رغبت شدید من شده است».

و آن کنیز به زبان عربی به او خواهد گفت: «اگر در جامه حضرت سلیمان و برفراز تخت شاهی ظاهر شوی، من رغبتی به تو نخواهم داشت، و لذا مالت را بیهوده خرج نکن».

برده فروش به آن کنیز خواهد گفت: «چاره چیست؟ ناگزیر ترا باید فروخت». کنیز در پاسخ می گوید: «اینهمه شتاب برای چیست؟ باید خریداری باشد که دل من به سوی او کشش پیدا کند و به صداقت و امانت او اعتماد کنم».

در این هنگام تو برخیز و پیش عمرو بن یزید برده فروش برو، و به او بگو: «من نامه دلگرم کننده ای را از یکی از اشراف همراه دارم، که آن را به زبان رومی و به خط رومی نوشته،

و در آن کرم و وفا و خرد و سخای خود را منعکس نموده است، این نامه را به او بده تا آن را مطالعه کند و اخلاق و رفتار نویسنده اش را در لابلائی سطور آن جستجو نمایید، اگر به نویسنده آن تمایل پیدا کرد و تو نیز مایل بودی، من از طرف نویسنده نامه وکالت دارم که او را از تو ابتیاع کنم».

بشر بن سلیمان می گوید، من همه دستورات سرور خودم امام هادی علیه السلام را به طور کامل انجام دادم، همین که آن کنیز در نامه نگریست به شدت گریست و به «عمرو بن یزید» گفت:

«باید مرا به نویسنده این نامه بفروشی». و سوگند یاد کرد که اگر از فروختن او به صاحب نامه خود داری کنی در معرض تلف قرار خواهد گرفت.

آنگاه من در مورد قیمت کنیز با برده فروش وارد مذاکره شدم و سرانجام به همان مبلغی که مولایم در چنته همراه من فرستاده بود به توافق رسیدیم.

آنگاه آن بانو را در حالیکه شاداب و خندان بود از او تحویل گرفتم و به خانه ای که در بغداد می رفتم بردم.

آن بانو از شدت خوشحالی آرام نداشت، نامه امام هادی علیه السلام را بیرون آورد، آن را می بوسید و بر صورت خود می نهاد و دست بر آن می کشید.

با شگفتی به او گفتم: «نامه ای را می بوسی که صاحبش را نمی شناسی؟!».

آن بانو پاسخ داد: ای عاجز و ناتوان از شناخت مقام اولاد پیامبران، خوب گوش کن و به گفتارم دل بسپار تا به حقیقت راه یابی:

سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون

من «ملیکه» دختر «یشوعا» پسر قیصر روم، و مادرم از

تبار حواریون است و نسب من از طرف مادر به «شمعون» وصی حضرت مسیح - علیه السلام - می رسد.

من اکنون ترا از یک حادثه ی وحشت انگیز و شگفت آور آگاه می سازم:

هنگامی که سیزده بهار از عمر من گذشت، پدر بزرگم قیصر تصمیم گرفت که مرا به عقد برادر زاده خود در آورد.

سیصد تن از اعقاب حواریون که همگی کشیش و راهب بودند گرد آورد، و هفتصد تن از دیگر کشیشان که از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند فراخواند، آنگاه چهار هزار نفر از فرماندهان سپاه و امیران لشکرها و سرپرستان عشایر دعوت کرد و از مال ویژه خود تختی مرصع و مزین به انواع جواهرات بیاراست و آن را در حیات کاخ و بر فراز چهل پایه قرار داد.

اجتماعی نافرجام

چون برادر زاده اش بر فراز آن تخت قرار گرفت و صلیبها را در گرداگرد او بگردانیدند، واسقفها به حال تعظیم برخاستند و اوراق اناجیل را بگشودند، و مهیا شدند که مراسم ازدواج را به جای آورند، ناگهان همه صلیبها سرنگون شدند، پایه های تخت به لرزه در آمد و فرو ریخت، آن جوان که بر فراز تخت قرار داشت مدهوش بر زمین افتاد.

رنگ کشیشان پرید و لرزه بر اندامشان افتاد، واسقف اعظمشان به پدر بزرگم گفت:

«پادشاهها: ما را در مورد این حوادث نافرجام و نحوست بار که پیش در آمد نابودی آئین مسیحیت و شیوه امپراطوری است معذور بدار».

پدر بزرگم که شدیداً از این پیشامد ناگوار افسرده بود و آن را به فال بد زده بود، به کشیشان گفت:

«این پایه را استوار سازید و این صلیبها را یکبار دیگر بر پا دارید، آنگاه دیگر برادر

این داماد نگون بخت را فرا خوانید، تا این دختر را به ازدواج او درآورم، تا این نحوست با فرخندگی او بر طرف شود».

بار دیگر که مجلس بیاراستند و فرمان او را به کار بستند نظیر همان حوادث وحشتناک به وقوع پیوست، همه وحشت زده پراکنده شدند، و پدر بزرگم افسرده و دل مرده برخاست و به حرمسرا رفت و پرده ها را بیاویخت.

روایاتی سرنوشت ساز

در آن شب خوابی شگفت دیدم که سرنوشت مرا تغییر داد:

در خواب دیدم که حضرت مسیح و شمعون و گروهی از حواریون در کاخ پدر بزرگم گرد آمده اند و منبری از نور در آن نصب شده است که در شکوه و عظمت سر بر آسمان می ساید.

این منبر را درست در نقطه ای گذاشته بودند که پدر بزرگم تختش را در آنجا قرار داده بود.

در آن هنگام حضرت محمد - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - با وصی و داماد خود - امیر مؤمنان - و گروهی از فرزندانش وارد شدند.

حضرت مسیح پیش رفت و حضرت محمد - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - را در آغوش کشید.

آنگاه رسول اکرم به حضرت مسیح فرمود: «ای روح الله! من آمده ام که از وصی تو «شمعون» دخترش «ملیکه» را خواستگاری کنم. و با دست خود به سوی: «ابو محمد» پسر نویسنده این نامه اشاره فرمود.

حضرت عیسی علیه السلام به سوی شمعون نگریست و فرمود: «ای شمعون، شرف و فضیلت به سوی تو روی آورده است، خاندان خود را با خاندان آل محمد پیوند بزن». شمعون گفت: «اطاعت می کنم».

در آن هنگام رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بر فراز منبر تشریف بردند، خطبه

ای فرمودند و مرا به همسری فرزند خویش در آوردند.

حضرت عیسی، حواریون و فرزندان رسول خدا گواهان عقد بودند.

هنگامی که از این رؤیای طلائی بیدار شدم، ترسیدم که اگر خواب را با پدر و پدربزرگم در میان بگذارم مرا بکشند، و لذا آن را پوشیده داشتم و برای آنان بازگو نکردم. ولی سینه ام چنان از محبت «ابو محمد» آکنده شد که دیگر میل خوراک را از دست دادم، و به همین سبب سخت بیمار و رنجور شدم.

در شهرهای روم هیچ پزشکی باقی نماند جز اینکه پدربزرگم برای معالجه من فرا خواند ولی نتیجه نداشت.

چون پدربزرگم از معالجه من مأیوس شد، از روی شفقت به من گفت: «ای نور دیده ام، آیا خواهش و آرزویی در دل داری؟ که در این دنیا برای تو فراهم کنم؟».

گفتم: «پدر جان! درهای گشایش را به روی خود بسته می بینم، ولی اگر فرمان دهی که از دست و پای اسیران مسلمان که در زندان تو هستند بند و زنجیر بردارند و از شکنجه آنان دست نگهدارند و بر آنان منت نهاده فرمان آزادی آنها را صادر کنی، امیدوارم که حضرت مسیح و مادرش حضرت مریم سلامتی را به من ارزانی دارند».

چون پدربزرگم خواسته ام را برآورد تلاش کردم که خود را سالم تر نشان دهم، و اندکی خوراک تناول کردم، پدربزرگم خوشحال شد و محبت بیشتری در مورد اسیران مبذول داشت.

دومین رؤیا

پس از گذشت چهارده شب از خواب نخستین، در عالم رؤیا دیدم که سرور زنان دو جهان حضرت فاطمه - سلام الله علیها - در حالی که حضرت مریم و هزار تن از خدمتکاران بهشتی ایشان را همراهی

می کردند، به دیدار من تشریف فرما شدند.

حضرت مریم به من فرمود: «این بانوی دو جهان، و مادر شوهرت ابو محمّد است».

من به دامن حضرت فاطمه - سلام الله عليها - آویختم و گریستم، و از این که ابو محمّد به دیدار من نمی آید شکوه کردم.

حضرت فاطمه - سلام الله عليها - فرمود: «تا هنگامی که تو مشرک هستی پسر من ابو محمّد به دیدار تو نخواهد آمد، این خواهرم مریم دخت عمران است که از آئین تو به پیشگاه حضرت احدیت بیزاری می جوید. اکنون اگر خواهان خشنودی خدا و مسیح و مریم هستی، و اشتیاق دیدار ابو محمّد را داری، بگو: اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمداً رسول الله».

چون این دو گواهی را به زبان راندم، حضرت فاطمه - سلام الله عليها - مرا به سینه خود چسبانید و مرا دلشاد ساخت و فرمود: «از حالا انتظار دیدار ابو محمّد را داشته باش، من او را به نزد تو خواهم فرستاد».

بیدار شدم و در انتظار دیدار ابو محمّد ثانیه شماری می کردم و با خود می گفتم: «وہ چقدر اشتیاق دیدار ابو محمّد را دارم».

- این جمله ترجمه: «وَأَشْوَقَاهُ إِلَى لِقَاءِ أَبِي مُحَمَّدٍ» است که از نسخه های کمال الدین و غیبت طوسی افتاده، و ما آن را از «دلائل الامامه» ص ۲۶۶ و «منتخب الأنوار المضيئه» ص ۵۸ آوردیم.

شب بعد او را در خواب دیدم و به محضرشان عرض کردم: «ای حبیب من، پس از آنکه در دلم جای گرفتی و دلم آکنده از مهر تو شد و در این راه جانم در معرض تلف قرار گرفت، بر

من جفا کردی و این مدت به دیدار من نیامدی».

فرمود: «تأخیر من در دیدار تو به سبب شرک تو بود و اکنون که به راستی اسلام آوردی، همه شب به دیدار تو خواهم آمد، تا روزی که خداوند در بیداری ما را به یکدیگر برساند»

از آن شب تاکنون هیچ شبی مرا از دیدار خود محروم نساخته است.

شاهزاده و اسارت!

بشر می گوید: به او گفتم: پس چگونه اسیر شدی؟! گفت:

در یکی از شبها «ابو محمد» در خواب به من فرمود: «در همین ایام - فلان روز - پدر بزرگت لشکری به جنگ مسلمانان گسیل می دارد، خود نیز از پی لشکریان روان می شود، تو هم به طور ناشناس و در لباس خدمتکاران همراه دیگر زنها از فلان راه به آنها پیوندد».

من فرمان او را اطاعت کردم، ناگاه پیشتازان مسلمانان بر ما تاختند، من هم اسیر شدم، بدون اینکه کسی تاکنون متوجه شده باشد که من نوه قیصر امپراطور روم هستم. جز تو، که اکنون خودم برایت بازگو کردم.

کسی که من در سهم او قرار گرفتیم، چون از نام من پرسید، نام خود را از او مکتوم داشتم و گفتم: «نرگس»، گفت: آری از نامهای کنیزان است.

بشر می گوید: به او گفتم: عجیب است که شما رومی هستید و این چنین به لهجه عربی سخن می گوئید!

گفت: «آری پدر بزرگم از شدت علاقه ای که به تعلیم و تربیت من داشت، و مایل بود که آداب ملل و اقوام را یاد بگیرم، به یکی از بانوانی که مترجم او بود دستور داد که هر روز بامدادان و شامگاهان به پیش من بیاید و به من عربی بیاموزد. و

بدین گونه زبان عربی را فرا گرفتیم و زبانم به آن گویا شد.

دختر قیصر در دودمان پیمبر

بشر می گوید: چون او را به سامرا و حضور مولا-یم ابوالحسن امام هادی علیه السّلام بردم، آن حضرت به او فرمود: «عزت اسلام، ذلت مسیحیت، و شرف خاندان عصمت و طهارت را چگونه یافتی؟» عرض کرد: «ای پسر رسول خدا، چیزی را که شما از من به آن آگاهتر هستید چگونه برای شما وصف کنم؟».

امام هادی علیه السّلام فرمود: «می خواهم به تو پاداشی بدهم، آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوشتر است یا مژده ای که در آن شرف جاودانه است؟».

عرضه داشت: «مژده فرزند برای من».

فرمود: «أَبْشِرِي بِوَلَدٍ يَمْلِكُ الدُّنْيَا شَرْقًا وَ غَرْبًا، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»:

«مژده باد تو را به فرزندى که خاور و باختر گیتی را به ملک خویش در آورد و جهان را از عدل و داد آکنده سازد، پس از آنکه از ظلم و ستم آکنده باشد».

- غیبت طوسی، ص ۱۲۸، کمال الدین، ج ۲ ص ۴۲۳، دلائل الامامه، ص ۲۶۷ و مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴ ص ۴۴۱.

نرجس خاتون پرسید: «پدر این مولود فرخنده کیست؟».

فرمود: «همان که پیامبر اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - در فلان شب از فلان ماه از فلان سال - رومی - ترا برای او خواستگاری کرد».

پرسید: از حضرت مسیح و وصی او؟

فرمود: آری، حضرت مسیح و وصی او ترا به عقد چه کسی در آوردند؟

عرضه داشت: «فرزند گرامی شما ابو محمد علیه السّلام».

فرمود: او را می شناسی؟

گفت: «چگونه نشناسم در حالی که از شبی که به دست بانوی بانوان جهان (حضرت

زهر اسلام الله عليها) به شرف اسلام مشرف شده ام، شبی نگذشته که به دیدار من نیامده باشد».

ملیکه در مکتب حکیمه

در آن هنگام حضرت هادی علیه السلام به خدمتکار خود «کافور» فرمودند: «خواهرم حکیمه را فرا خوان».

هنگامی که حکیمه به محضر امام هادی علیه السلام شرفیاب شد به او فرمود:

«هاهیة»: یعنی «این همان بانوی معهود است».

حکیمه خاتون مدتی بس طولانی او را در آغوش کشید و ابراز شادمانی فرمود.

آنگاه امام هادی علیه السلام فرمود: «ای دختر رسول خدا، او را به خانه خود ببر، فرائض دینی و سنن اسلامی را به او بیاموز، که او همسر ابو محمد، و مادر حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد».

- غیبت طوسی، ص ۱۲۴ - ۱۲۸، کمال الدین صدوق، ج ۲ ص ۴۱۷ - ۴۲۳، دلائل الامامه، ص ۲۶۲ - ۲۶۷، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴ ص ۴۴۰ - ۴۴۱، روضه الواعظین، ج ۱ ص ۲۵۲ - ۲۵۵، اثباه الهداه ج ۳ ص ۳۶۳ - ۳۶۵ و ۴۰۸ - ۴۰۹، بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۶ - ۱۰، حلیه الابرار ج ۲ ص ۵۱۵ و منتخب الانوار المصیئه ص ۵۱ - ۶۰.

چند نکته

در پایان گزارشی از نور یادآوری چند نکته را در این زمینه لازم می دانم:

۱ - گزارشگر این گزارش شگفت انگیز «بشر بن سلیمان نخاس» از شیعیان خالص امام هادی و امام عسگری - علیهما السلام - و مورد وثوق و اعتماد آن دو امام همام می باشد، که امام هادی علیه السلام او را برای چنین مأموریت حساسی برگزیده است.

علامه ممقانی در رجال خود او را ستوده، و بر وثاقتش

تأکید نموده است.

- تنقیح المقال، ج ۱ ص ۱۷۳.

شیخ طوسی و شیخ صدوق بر این روایت اعتماد نموده، در کتابهای خود آن را نقل کرده اند.

- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۲۴، کمال الدین، صدوق، ج ۲ ص ۴۱۷.

محدثان و مورخان بعدی نیز به استناد روایت شیخ طوسی و شیخ صدوق این روایت را در کتابهای خود آورده اند.

- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴ ص ۴۴۰، اثبات الهداه، ج ۳ ص ۳۶۳، بحار، ج ۵۱ ص ۶.

* * *

۲ - در مورد نسب نرجس خاتون و اینکه او دختر یسوعا پسر امپراطور روم است، علاوه بر حدیث فوق حدیث دیگری از امام عسکری علیه السلام داریم، که آن را فضل بن شاذان قبل از تولد حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - با یک واسطه از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند، و اینک متن حدیث: فضل بن شاذان از محمد بن عبد الجبار روایت می کند که گفت: به محضر سرورم امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا، جانم به فدایت باد، من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجت خدا بر بندگان کیست؟ فرمود:

«إِنَّ الْإِمَامَ وَ حُجَّةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِي ابْنِي، سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَيْتُهُ الَّذِي هُوَ خَاتَمُ حُجَجِ اللَّهِ وَ آخِرُ خُلَفَائِهِ»:

«امام و حجت خدا بعد از من فرزند منست، که همانم رسول خدا و هم کنیت آن حضرت است، او پایان بخش حجج الهی و آخرین خلیفه از خلفای پروردگار است».

پرسیدم: مادرش چه کسی خواهد بود، ای پسر رسول خدا؟ فرمود:

«مِنْ ابْنِهِ ابْنِ قَيْصَرَ مَلِكِ الرُّومِ، أَلَا إِنَّهُ سَيُولَدُ، وَ يَغِيبُ عَنِّ

النَّاسِ غَيْبَهُ طَوِيلَهُ ثُمَّ يَظْهَرُ»:

«از دخترِ پسرِ قیصر، نوه امپراطور روم، آگاه باش که او در آینده ای نزدیک متولد می شود، مدتی بس طولانی در پشت پرده غیبت از مردم عزلت می گزیند، سپس ظاهر می شود».

- اثبات الهداه، ج ۳ ص ۵۶۹ (حدیث ۶۷۹).

این حدیث قبل از تولد بقیه الله - ارواحنا فداه - از امام حسن عسکری علیه السلام صادر شده و شخصیت مورد اعتماد و استنادی چون فضل بن شاذان آن را در کتاب گرانقدر «اثبات الرجعه» درج کرده، و میان فضل بن شاذان و امام حسن عسکری، فقط یک واسطه است، و او محمد بن عبد الجبار است، که شیخ طوسی بر وثاقتش تأکید نموده است.

- رجال شیخ طوسی، ص ۴۲۳ و ۴۳۵.

این حدیث در حدّ اعلاّی صحّت است و می تواند بر استحکام حدیث «بشر بن سلیمان» بیفزاید و آن را بیش از پیش مورد اعتماد و استناد قرار دهد.

روی این بیان هیچ تردیدی نیست که حضرت نرجس خاتون دختِ یسوعا، فرزند قیصر، و نوه امپراطور روم هستند.

۳ - نام پدر نرجس خاتون در اکثر منابع حدیثی: «یسوعا» ذکر شده، ولی طبری آن را «یسوعا» ثبت کرده است.

- دلائل الإمامه، ص ۲۶۴.

«یسوع» در عبری به معنای نجات دهنده است و در انجیل پنجاه مرتبه یسوع به کار رفته و منظور از آن حضرت عیسی علیه السلام است، و در زبان عبرانی بین «یسوع» و «یشوع» و «یوشع» فرقی نیست و هر سه به یک معنا می باشند.

- قاموس کتاب مقدس، ص ۹۵۱ - ۹۵۲.

بنابر این «یشوعا» یک نام مسیحی، برگرفته از «یشوع» به معنای نجات دهنده و

معادل «یوشع» می باشد.

اما «یسوعان» فرقه ای از مسیحان هستند که به سه اصل: تقوی، فقر و اطاعت از پاپ معتقدند.

- فرهنگ معین، ج ۵ ص ۲۳۳۵.

۴- اکنون نوبت آن رسیده بینیم قیصری که پدر یشوعا می باشد، کیست؟ و نام او چیست؟

با نگاهی گذرا به تاریخ امپراطوری روم جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که امپراطور روم در آن روزگار «میخائیل بن تئوفیل» مشهور به: «میخائیل سؤم» بود.

میخائیل سؤم، سی و ششمین امپراطور روم است که از سال ۸۴۲ تا ۸۶۷ میلادی برابر ۲۲۷ تا ۲۵۳ هجری بر سرزمین پهناور روم حکومت می کرد.

قلمرو بیزانس در زمان میخائیل سؤم شبه جزیره بالکان، ایتالیا، آسیای صغیر و قسمتهائی از سوریه و مصر و لیبی بود. بعد که با عربها درگیر شدند سوریه و مصر و لیبی را از آنها گرفتند، آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان برای آنها باقی ماند.

- موسوعه المورد، ج ۲ ص ۱۴۳.

در همان سالی که الواثق بالله عباسی به خلافت رسید، «تئوفیل» در روم درگذشت، و تاج و تخت بیزانس به پسرش «میخائیل» رسید.

- المختصر فی اخبار البشر، ج ۲ ص ۳۵.

میخائیل سؤم ۲۵ سال بر سرزمین روم و جهان پهناور بیزانس سلطنت کرد، و در دوران امپراطوری ۲۵ ساله اش با پنج خلیفه عباسی معاصر بود: واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز.

میخائیل به اداره کشور تمایل نداشت، او همواره سعی می کرد که اداره مملکت را به دیگری واگذار کند و خود فقط سلطنت نماید.

از این رو نخست اداره کشور را به مادرش «تئودوره» سپرد، هنگامی که مادرش به سال ۸۵۶ م. از دنیا رفت، حکومت را به دائی اش: «بارداس»

واگذار نمود.

در عهد بارداس، برزگزاده ای از اهل مقدونیه به نام «باسیلیوس» سرپرستی اسب میخائیل را به عهده داشت. او اگر چه بیسواد محض بود ولی در اثر کاردانی از مهتری به ریاست تشریفات دربار ارتقا یافت. کم کم در صدد اشغال امپراطوری برآمد.

او نخست میخائیل را متقاعد نمود که «بارداس» برای خلع کردن میخائیل توطئه می کند، سپس او را در سال ۸۶۶ م. خفه کرد. میخائیل که سالیان درازی عادت کرده بود سلطنت کند نه حکومت، اینک باسیلیوس را در امپراطوری خود شریک نمود، و تمامی امور مملکت را به دست او سپرد.

باسیل، کم کم نقشه قتل میخائیل را نیز طرح کرد، و با کشتن میخائیل وارث تاج و تخت وی شد.

و بدین گونه میخائیل به سال ۸۶۷ میلادی، اندکی پیش از شهادت حضرت هادی علیه السلام به دست باسیلیوس به قتل رسید.

- تاریخ تمدن، ج ۴ ص ۵۵۰.

۵ - در عهد امپراطوری میخائیل در میان سپاهیان اسلام و روم جنگهای شدیدی روی داد و اسیران بیشماری از طرفین به دست یکدیگر افتاد.

در عاشورای ۲۳۱ ه[!] (برابر با سپتامبر ۸۴۵ میلادی) اسیران جنگی میان مسلمانان و رومیان مبادله شد.

تعداد اسیران مسلمان را که در آن روز باز خرید کردند ۴۴۶۰ نفر نوشته اند.

- تاریخ مختصر الدول، ص ۱۴۱.

و در این زمان بود که نواحی «آدانا» به دست مسلمانان فتح شد.

- قاموس الأعلام، ج ۲ ص ۱۴۳۷.

مسعودی به هنگام بررسی مبادله و باز خرید اسرای جنگی در میان مسلمانان و رومیان می نویسد: سؤمین باز خرید اسیران در خلافت الواثق بالله در محرم ۲۳۱ ه[!] بود، که امپراطور در آن زمان «میخائیل بن تئوفیل»

بود، و سرپرست این بازرخرد از طرف خلیفه، خاقان - غلام ترک خلیفه - بود. در این تاریخ ۴۳۶۲ نفر اسیر مسلمان در ظرف ده روز بازرخرد شدند.

- التنبیه و الاشراف، ص ۱۶۱.

سپس می نویسد: چهارمین بازرخرد اسیران در زمان متوکل، در شوال ۲۴۱ ه^۱. بود، و امپراطور روم «میخائیل بن ثوفیل» بود، و سرپرست این بازرخرد از طرف خلیفه «شنیف» بود. در این تاریخ ۲۲۰۰ نفر اسیر بازرخرد شدند.

- همان مدرک، ص ۱۶۴.

یعقوبی - مقدم مورخان اسلامی - نیز گزارش کوتاهی از مبادله و بازرخرد اسیران در عهد متوکل در تاریخ ارزشمند خود آورده است.

- تاریخ یعقوبی، ج ۳ ص ۲۲۳.

طبری در حوادث ۲۴۱ ه^۱. می نویسد: تنودوره، مادر میخائیل و امپراطور روم، شخصی را به نام «جرجیس بن فرنافس» برای بازرخرد اسیران رومی به نزد متوکل فرستاد. تعداد اسیران رومی در دست مسلمانان در حدود ۲۰۰۰۰ نفر بودند.

پس از شرح مبسوطی ادامه می دهد: این مبادله و بازرخرد اسیران در روز ۱۲ شوال ۲۴۱ ه^۱. انجام پذیرفت. و تعداد اسیران مسلمان ۷۵۸ نفر بود، که ۱۲۵ نفر آنان را زنان تشکیل می دادند.

- تاریخ طبری، ج ۷ ص ۳۷۶.

به هنگام فتح «عموریه» رومیان ۳۰۰۰۰ نفر کشته دادند و ۳۰۰۰۰ نفرشان به اسارت رفت.

- تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۶.

یاقوت می نویسد: در واقعه «یرموک» قیصر روم تا انطاکیه آمده بود که جنگ را از نزدیک رهبری کند. هنگامی که مطلع شد که رومیان شکست خورده اند، انطاکیه را به قصد قسطنطنیه ترک کرد.

قیصر به هنگام ترک انطاکیه خطاب به تپه های سوریه گفت: «ای سوریه! خداحافظ، دیگر امید ندارم که به سوی تو باز گردم».

شکیب ارسلان در گزارش ارزشمند خود می نویسد. به سال ۲۴۴ ه. سپاه اسلام به فرماندهی عباس بن فضل از راه دریا با رومیان جنگیدند، چهل کشتی جنگی رومیان برای مقابله با سپاه اسلام وارد معرکه شد. پیکار سختی در گرفت. رومیان شکست خوردند و مسلمانان ده کشتی را با سرنشینان آنها از آنان به غنیمت بردند.

سپس عباس به جنگ «قصریانه» رفت، در آنجا مردی را اسیر کرد. او نقطه ای از حصار شهر را به عباس نشان داد. عباس از همان نقطه به شهر رخنه کرد و وارد نبرد شد. مردم شهر درهای شهر را گشودند و تسلیم سپاه اسلامی شدند و غنائم فراوانی نصیب مسلمانان گردید.

متعاقب آن پادشاه قسطنطنیه سیصد کشتی جنگی پر از سرباز به جنگ مسلمانان فرستاد، همین که به «سرقسوه» رسیدند، عباس با سپاهانش به جنگ آنها رفت و رومیان را شکست داد، و یکصد کشتی را از آنها به غنیمت گرفت.

- تاریخ فتوحات اسلامی، ص ۱۸۹.

هنگامی که هرقل پیشرفت سریع مسلمانان را مشاهده کرد خطاب به رومیان گفت: ای سپاه روم مطمئن باشید که مسلمانان به شهرهائی که فتح کرده اند بسنده نمی کنند، تا آخرین شهر شما را فتح کنند، زنان و کودکان شما را اسیر بگیرند و شاهزادگان شما را برده خود سازند. بیائید از حریم خود و امپراطور خویش دفاع کنید.

- معجم البلدان، ج ۳ ص ۲۸۰.

۶ - مسعودی در ضمن شرح حال «میخائیل بن تئوفیل» می نویسد: «شخصی به نام «ابن بقراط» از شاهزادگان پیشین از اهل «عموریه» در امپراطوری میخائیل با وی به منازعه پرداخت، میخائیل در

برابر او صف آرائی کرد و همه زندانیهای مسلمان را برای نبرد با او از زندان آزاد کرد با ساز و برگ نظامی آنها را مجهز کرده به نبرد ابن بقرات فرستاد. بدین وسیله بر او پیروز شد.

- التنبیه و الاشراف، ص ۱۴۵.

در اینجا اگر چه موضوع آزادی زندانیان به عنوان نبرد با دشمن امپراطوری مطرح شده، ولی جمله: «و قد أخرج من فی سجونه من المسلمین» حائز اهمیت است، زیرا در متن گزارش آمده بود که قیصر همه زندانیان مسلمان را به خواهش نرجس خاتون آزاد کرد و با آنها خوشرفتاری نمود.

* * *

۷ - مرجع فقید شیعه، مرحوم آیت الله میلانی (متوفای ۱۳۹۵ ه.ق.) پس از نقل گزارش نرجس خاتون به نکات ارزشمندی از متن گزارش اشاره نموده، می فرماید:

«برخی از دشمنان اهل بیت در این مسائل ابراز تردید می کنند و می گویند: در ایام ولادت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - در میان مسلمانان و مشرکان جنگی روی نداده است».

سپس سبب تشکیک و تردید آنان را دو چیز بیان می فرماید:

۱ - بی خبری آنان از تاریخ

۲ - دشمنی آنان با حق و حقیقت.

- قادتنا، ج ۷ ص ۲۱۱.

آنگاه فرازی از تاریخ کامل ابن اثیر را یادآور می شود که بر اساس آن گزارش، در سال ۲۵۱ هجری جنگ سختی بین سپاه اسلام و اردوی شرک در بلاد بیزانس در گرفته و مشرکان کشته های فراوانی بر جای گذاشته اند، و تعداد زیادی از آنها به اسارت رفته اند.

سپس نتیجه می گیرد که: بر طبق گزارش بشر بن سلیمان حضرت نرجس خاتون دختر یسوعا در عهد امام هادی علیه السلام اسیر

شده، و می دانیم که حضرت هادی عیه السلام به سال ۲۵۴ ه. به شهادت رسیده اند، پس میان گزارش بشر بن سلیمان و حادثه ای که از ابن اثیر نقل شد دقیقاً هماهنگی زمانی موجود است.

ابن اثیر این گزارش را در ضمن حوادث ۲۵۱ هجری آورده است.

- الکامل فی التاریخ، ج ۷ ص ۱۶۲.

* * *

۸- برخی از خوانندگان گرامی ممکن است به مسئله خواب حساسیت داشته باشند و از جهت شامل بودن این گزارش به چند رؤیا، سؤالاتی برایشان مطرح باشد، که در اینجا نمی توانیم وارد این بحث بشویم، علاقمندان را به مطالعه کتاب ارزشمند: «دارالسلام» توصیه می کنیم که مرحوم محدث نوری آن را در این رابطه تألیف کرده، و در ضمن چهار مجلد تمام ابعاد مسئله را بررسی نموده است.

در اینجا فقط یادآور می شویم که رؤیاهای نرجس خاتون یقیناً رؤیای صادقه، بلکه در حدّ مکاشفه می باشد. و در قرآن کریم رؤیای حضرت ابراهیم خلیل الرحمن، رؤیای حضرت یوسف، رؤیای عزیز مصر، رؤیای دو زندانی دیگر که با حضرت یوسف در زندان - سوره صافات، آیه ۱۰۲ - ۱۰۵.

بودند، آمده است.

- سوره یوسف، آیه های ۴ - ۵، ۳۶ - ۴۱ و ۴۳ - ۴۹.

* * *

۹- جدّ مادری نرجس خاتون، جناب «شمعون» وصی حضرت عیسی علیه السلام است، چنانکه در احادیث فراوانی آمده است هنگامی که خداوند متعال خواست حضرت عیسی علیه السلام را به آسمانها ببرد، به او فرمان داد که نور و حکمت و علم کتاب را به «شمعون بن حنون صفا» تعلیم کند، و او را جانشین خود در میان اهل ایمان قرار

- کمال الدین، ج ۱ ص ۲۲۵.

شمعون صفا سؤمین سفیر حضرت عیسی علیه السّلام به انطاکیه است که در سوره «یس» آیه ۱۴ بیان شده است.

- تفسیر صافی، ج ۴ ص ۲۴۷، البرهان، ج ۴ ص ۸.

شمعون در میان مسیحیان به «پطرس» معروف است، چنانکه در متن انجیل آمده است: «و نامهای دوازده رسول اینست: اوّل شمعون، معروف به: «پطرس»... این دوازده را عیسی فرستاده، به ایشان وصیت کرده گفت: ... بیماران را شفا دهید، ابرصان را طاهر سازید، مردگان را زنده کنید».

- انجیل متی، باب دهم، بندهای ۲-۸.

مفسران انجیل نیز اتفاق نظیر دارند که اسم پطرس «شمعون» می باشد.

- قاموس کتاب مقدس، ص ۲۲۰.

«شمعون» در زبان عبری به معنای: شنونده است و در انجیل ده نفر به عنوان «شمعون» آمده است که یکی از آنها «پطرس» وصی حضرت عیسی علیه السّلام می باشد.

- همان مدرک، ص ۵۳۳.

طبق روایات، شمعون پسر عمّه حضرت مریم - سلام الله علیها - می باشد.

- بحار، ج ۲۵ ص ۱۸۶.

از نکات یاد شده در ذیل «گزارش نور» به این نتیجه رسیدیم که:

۱ - حضرت نرجس خاتون اهل قسطنطنیه، پایتخت بیزانس، استانبول کنونی است.

۲ - نام شریفش: «ملیکه» است و به هنگام اسارت خود را «نرجس» معرفی کرده، و به نامهای مختلف در خانه امام حسن عسکری علیه السّلام خوانده شده است.

۳ - پدرش: «یشوعا» پسر قیصر روم است.

۴ - قیصری که در آن روزگار بر اریکه امپراطوری تکیه کرده بود میخائیل سوّم بود.

۵ - میخائیل سوّم از سال ۲۷۷ تا ۲۵۳ هجری در این مسند بود.

۶ - به احتمال قوی «یشوعا» پسر «میخائیل بن ثوفیل» است، ولی

احتمال آن نیز می رود که وی پسر «تئوفیل» باشد که قبل از میخائیل دوازده سال بر مسند امپراطوری تکیه داشت.

۷- در عهد میخائیل برخوردهای نظامی بین قوای مسلمین و رومی ها مکرر به وقوع پیوسته، و در این درگیریها هزاران نفر از طرفین به اسارت رفته اند.

۸- یکبار میخائیل همه زندانیان مسلمان را آزاد کرده است.

۹- روایت بشر بن سلیمان مورد اعتماد و استاد بزرگان علما در طول یازده قرن می باشد.

۱۰- علاوه بر روایت بشر، به طریق صحیح از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که مادر حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - دختر پسر قیصر روم می باشد.

و در نتیجه از پذیرش گزارش بشر بن سلیمان هیچ مانعی وجود ندارد.

* * *

میلاد نور

گزارش دقیق میلاد نور یزدان، مهر تابان، فروغ جاودان، خورشید فروزان، حضرت مهدی صاحب الزمان - علیه سلام الله الملك المنان - در منابع حدیثی شیعیان، از شاهدان عینی به دور از حدس و گمان، آمده است که در رأس همه آنها گزارش لحظه به لحظه حکیمه خاتون می باشد.

حکیمه دختر امام جواد، خواهر امام هادی، و عمه امام حسن عسکری - علیهم السلام - می باشد که به دو فضیلت بس والا اختصاص یافته است:

۱- شرف تعلیم و تربیت حضرت نرجس خاتون به امر امام هادی علیه السلام، که شرح آن در گزارش نور بیان شد.

۲- افتخار حضور در مجلس تولد نور یزدان به امر امام حسن عسکری علیه السلام، که اکنون در صدد بیان آن هستیم.

از دیگر فضائل این بانوی مجلله این است که دعای معروف به «حرز امام جواد

علیه السلام» از طریق ایشان روایت شده است.

- مهج الدعوات ص ۳۶، بحار، ج ۹۴ ص ۳۵۴ و الامام الجواد، ص ۳۷۵.

و اینک متن گزارش تولد نور:

شیخ صدوق با سلسله اسناد خود از حکیمه خاتون روایت می کند که فرمود:

امام حسن عسکری علیه السلام کسی را نزد من فرستاد و پیغام داد:

«يَا عَمَّةُ اجْعَلِي أَفْطَارَكَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا، فَإِنَّهَا لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ، وَ هُوَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ»:

«عمّه جان امشب برای افطار به نزد ما بیا، زیرا امشب شب نیمه شعبان است، و آن شبی است که خدای تبارک و تعالی حجّتش را که حجّت خدا در روی زمین است، در آن پدید خواهد آورد».

حکیمه می گوید: پرسیدم: مادرش کیست؟

فرمود: «نرجس».

عرضه داشتم: جانم به فدایت، هیچ اثر حمل در او نمی بینم.

فرمود: آری، ولی حقیقت همان است که به تو گفتم.

حکیمه می گوید: چون بر نرجس خاتون وارد شدم سلام کردم نشستم. نرجس خاتون در برابرم نشست که کفش هایم را در آورد، به عنوان: «ای سرور من» به من عصر به خیر گفت.

گفتم: «بلکه شما سرور من و سرور خاندان من هستید».

نرجس خاتون سخنم را قطع کرد و گفت: «این چه حرفی است عمّه جان؟!».

گفتم: «دخترم خداوند امشب به تو فرزندی عطا خواهد کرد که آقای دو جهان و سرور دو سرای می باشد».

نرجس خاتون اظهار شرمساری کرد.

چون از نماز عشا پرداختم افطار کردم و خوابیدم، در نیمه های شب برخاستم و نماز شب را به جای آوردم، او هنوز خواب بود و هیچگونه ناراحتی نداشت. هنگامی که از تعقیبات فارغ شدم باز هم

خوابیدم، یکبار دیگر بیدار شدم، دیدم او هنوز خواب است.

بعداً او نیز برخاست، نماز شب را ادا کرد و مشغول استراحت شد.

من به صحن خانه رفتم تا از فرا رسیدن اذان صبح آگاه شوم، دیدم سپیده نخستین همچون دم گرگ پدیدار گشته، ولی نرجس خاتون همچنین خفته بود.

اینجا بود که دچار شک و تردید شدم، که ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام، از همانجا که نشسته بود به من بانگ زد:

«لَا تَعْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَاكِ الْأَمْرُ قَدْ قَرُبَ»:

«عمه شتاب نکن، آگاه باش که وعده الهی نزدیک است».

من نشستم و مشغول تلاوت سوره های الم سجده و یس شدم پس ناگهان نرجس خاتون مضطرب و هراسان برخاست.

پس به سویش دویدم و گفتم: «در امان خدا و در پناه نام خدا باشی». سپس پرسیدم: «آیا چیزی حس می کنی؟» گفت: «آری، عمه جان».

گفتم: «بر اعصاب خود مسلط باش و آرامش خود را حفظ کن، که این همان وعده الهی است که به تو نوید داده بودم».

حکیمه می گوید: یک لحظه من و نرجس را حالت رخوت و بی خبری فرا گرفت، ناگهان متوجه شدم که نور یزدان قدم در عرصه گیتی نهاده است.

جامه را کنار زدم دیدم که حجّت خدا اعضای سجده را بر زمین نهاده، پیشانی بندگی بر آستان معبود گذاشته است.

او را در آغوش کشیدم و دیدم بسیار پاک و پاکیزه است.

در همان لحظه صدای امام عسکری را شنیدم که خطاب به من می فرمود: «هَلُمَّ إِلَيَّ ابْنِي يَا عَمَّةَ»: «عمه جان پسر من را پیش من بیاور».

حجّت خدا را پیش پدر بردم، یک دست خود را پشت و یک دست دیگر را زیر تکیه گاه

کودک قرار داد و پاهای نو رسیده را بر روی سینه اش چسبانید. زبان مبارکش را در دهان نوزاد قرار داد، دست مبارکش را بر چشمها، گوشها و مفاصل او کشید. سپس فرمود: «پسرم سخن بگو».

حجّت خدا بر یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - گواهی داد، آنگاه بر یکایک امامان، از امیرمؤمنان تا پدر بزرگوارش درود فرستاد، و ساکت شد.

امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود: «عمّه جان او را ببر که به مادرش سلام کند، بعداً به نزد من بیاور».

او را به نزد نرجس خاتون بردم، بر او سلام کرد، آنگاه به خدمت امام علیه السّلام برگردانیدم و در کنارش نهادم.

فرمود: «عمّه جان روز هفتم به نزد ما بیا».

حکیمه می گوید: فردای آن روز که برای تقدیم سلام به حضور امام حسن عسکری علیه السّلام رفته بودم، جامه را از روی گهواره کنار زدم که مولایم را زیارت کنم، او را ندیدم. عرض کردم: «فدایت شوم، سرورم کجاست؟» فرمود:

«يَا عَمَّةُ اسْتَوْدَعْنَاهُ الَّذِي اسْتَوْدَعْتَهُ أُمُّ مُوسَى مُوسَى»:

«عمّه جان او را به کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد».

روز هفتم به خدمت امام علیه السّلام رفتم و سلام کردم، فرمود: «پسرم را به پیش من بیاور».

رفتم و سرورم را در پارچه ای که پیچیده شده بود به خدمتش آوردم.

امام حسن عسکری علیه السّلام همانند دفعه پیشین زبان در دهان او نهاد. گوئی شیر یا عسل به او می داد. سپس فرمود: «پسرم سخن بگو».

لبان نازکتر از گلش باز شد و بر یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم گواهی داد، و بر پیامبر و ائمه - علیهم

السلام - درود فرستاد، تا به پدر بزرگوارش رسید، آنگاه این آیه را تلاوت نمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ):

«به نام خدای بخشایگر مهربان، ما اراده کرده ایم به کسانی که در روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده اندمنت بگذاریم، آنان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم. در روی زمین بر آنها قدرت و تمکین دهیم، به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه را که از آن بیمناک بودند بنمائیم»

- سوره قصص، آیه های ۵ و ۶.

موسی - راوی حدیث - می گوید: از «عقبه خادم» نیز پرسیدم، گفت: «آنچه حکیمه گفته، همه راست و درست است».

- کمال الدین، ج ۲ ص ۴۲۴، اعلام الوری، ص ۳۹۴، البرهان، ج ۳ ص ۲۱۸، روضه الواعظین، ج ۲ ص ۲۵۶، تبصره الولی، ص ۵، حلیه الابرار، ج ۲ ص ۵۲۲، مدینه المعاجز، ص ۵۸۶ و منتخب الانوار المضيئه، ص ۶۰.

این حدیث را با اندک تفاوتی شیخ طوسی، طبری، خواندمیر و قندوزی با اسناد جداگانه روایت کرده اند.

- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۴۲، دلائل الامامه، ص ۲۶۸، حبيب الشیر، ج ۲ ص ۱۰۵، ینابیع الموده، ص ۴۵۱.

دیگر شاهدان عینی:

علاوه بر حکیمه شهادت گروه دیگری از خدمتگزاران دودمان امامت بر ولادت آن نور یزدان در کتب حدیثی به تناسب های مختلف بیان شده است، که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم:

۱ - عقبه خادم، که در قسمت پایانی گزارش فوق به

آن اشاره کردیم و مدارکش را برشمردیم.

۲ - عقید خادم، که برای ابوالأدیان و دیگران، ولادت آن حضرت را شرح داده است.

- کمال الدین، ج ۲ ص ۴۷۴.

۳ - ماریه، که در آن خانه خدمت می کرد، و در روز ولادت، آن حضرت را دیده است که با انگشت سبّابه به سوی آسمان اشاره کرده می فرماید: «الحمد لله رب العالمین، و صلّی الله علی محمد و آله».

- کشف الغمه، ج ۳ ص ۲۸۸.

۴ - نسیم خادم، که او نیز روز ولادت آن مهر تابان، حضرتش را در حال سجده مشاهده کرده، که انگشت سبّابه اش را به سوی آسمان بالا برده می فرماید: «الحمد لله رب العالمین، و صلّی الله علی محمد و آله».

- اثبات الهداه، ج ۳ ص ۶۶۸.

در روز دهم ولادتش نیز به محضر آن مهر فروزان رسیده، عطسه کرده، حضرت فرموده: «یرحمک الله» سپس فرموده: «آیا در مورد عطسه ترا نوید دهم، آن تا سه روز امان از مرگ است».

- حیب السیر، ج ۲ ص ۱۰۶.

۵ - ابو علی خیزرانی، کنیزی را به امام حسن عسکری علیه السلام اهدا کرده بود، که بعد از شهادت امام حسن عسکری به هنگام هجوم مأموران به خانه امام، او به خانه ابو علی پناه برده شرح جالبی از ولادت آن کعبه خوبان را برای ابو علی بیان کرده است.

- اثبات الهداه، ج ۳ ص ۶۹۹.

۶ - حمزه بن ابوالفتح، که به حسن بن منذر گفت: «بشارت، بشارت، دیشب در دودمان امامت مولودی به دنیا آمد، که به فرمان امام این راز باید مکتوم بماند».

- کمال الدین، ج ۲ ص ۴۳۴.

۷ - حسن بن حسین، از نواده

های امام حسن مجتبی علیه السلام، که به محضر امام حسن عسکری علیه السلام می شتابد و میلاد مسعود آن خورشید فروزان را تبریک می گوید.

- غیبت طوسی، ص ۱۵۱.

۸ - ابو نصر خادم، که در کنار گهواره اش حضور می یابد، می فرماید: «مرا می شناسی؟». می گوید: «بلی شما سرور من و فرزند سرور من هستید» می فرماید این را نپرسیدم، سپس می فرماید: «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي»: «من خاتم اوصیا هستم، خداوند به وسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می کند».

- کمال الدین، ج ۲ ص ۴۴۱.

۹ - قابله ای از اهل سنت، که امام حسن عسکری علیه السلام برای مصالحی او را در شب ولادت آن مهرتابان دعوت کرده، و او با نقل این واقعه موجب هدایت برخی از دشمنان این خاندان شده است.

- غیبت طوسی، ص ۱۴۴-۱۴۶.

۱۰ - گروهی از شیعیان، که امام حسن عسکری علیه السلام، در سومین روز ولادت آن قبله موعود و کعبه مقصود، عده ای از شیعیان مورد اعتماد را گرد آورد و آن مهر فروزان را بر آن ها نشان داد و فرمود:

«هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَ هُوَ الْفَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ، فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا»:

«این جانشین من در میان شما، و صاحب شما بعد از من است. او همان قائم - علیه السلام - است که در انتظارش گردن ها کشیده می شود، هنگامی که زمین پر از ظلم و ستم شد او ظاهر می شود

و آن را پر از عدل و داد نماید».

- کمال الدین، ج ۲ ص ۴۳۱.

به علامه صدها خوشبخت دیگری که در طول پنج سال - بعد از ولادت، تا شهادت پدر بزرگوارش - به محضر آن نور سرمدی تشرف یافته اند، که فهرست چهل نمونه از آنها را در مقدمه جزیره خضرا آورده ایم.

- جزیره خضرا، ص ۱۴ - ۲۵.

یکی از کنیزانی که به هنگام ولادت آن مهر فروزان حضور داشت می گوید:

هنگامی که مولای ما دیده به جهان گشود، نوری از او ساطع گردید که همه اقطار جهان را روشن ساخت.

در آن هنگام پرندگان نقره فامی دسته دسته از آسمان فرود آمدند و بالهای خود را بر سر و صورت و پیکر نوزاد سائیدند، و سپس به سوی آسمان پر گشودند.

چون مشاهدات خود را به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم، تبسمی کردند و فرمودند:

«تِلْكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، نَزَلَتْ لِتَبْرِكَ بِهَذَا الْمَوْلُودِ، وَ هِيَ أَنْصَارُهُ إِذَا خَرَجَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»:

«اینها فرشتگان آسمانند، که برای تبرک جستن از این مولود فرخنده فرود آمده اند، و چون به امر پروردگار ظهور کند، اینها یاورانش خواهند بود»

- الثَّاقِبُ فِي الْمَنَاقِبِ، ص ۵۸۴ و روضه الواعظین، ص ۲۶۰.

او پاک و پاکیزه به دنیا آمده بود، ولی برای اینکه فرشتگان از آن جسم طاهر متبرک شوند، «رضوان» خازن بهشت با گروهی از فرشتگان مقرب فرود آمدند و با آب سلسبیل و کوثر، آن جسم اطهر را شستشو دادند.

- تواریخ النبی و الآل، ص ۳۳.

بدین ترتیب تولد شگفت انگیزترین انسان تحقق یافت.

و این لحظه پرشکوه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد.

- اثبات الهداه: ۳ / ۵۰۷، اثبات الوصیة: ۱۹۵،

ارشاد: ۳۴۶، اصول کافی: ۴۳۱/۱، اعلام الوری: ۳۹۳، اعیان الشیعه: ۲ / ۴۴، الزام النیاصب: ۱ / ۳۱۷، بحار الانوار: ۵۱ / ۱، البرهان: ۶۴، غیبت طوسی: ۱۴۱، کشف الأستار: ۵۸، کشف الغمّه: ۲ / ۲۳۶، منتخب الأثر: ۳۲۰، نجم الثاقب: ۱۱، یوم الخلاص: ۸۶، و صدها مأخذ معتبر و مستند شیعه. و دهها مدرک معتبر اهل سنت، که بیست نمونه آن را در «میلاد نور» آورده ایم.

چهل حدیث

اشاره

در کتاب «یوسف زهرا» یاد آور شدیم که در احادیث اهل بیت علیهم السّلام به طور مستفیض - بلکه متواتر - از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود:

«مَنْ حَفِظَ مِنْ أَحَادِيثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا، بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا»:

«هر کس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خداوند او را روز قیامت فقیه و دانشمند محشور می فرماید».

- اصول کافی، ج ۱ ص ۴۹.

در کتاب یوسف زهرا چهل مدرک برای این حدیث آوردیم و یاد آور شدیم که: این حدیث در میان شیعه و سنی مستفیض، - یوسف زهرا، ص ۱۱ - ۱۳.

بلکه متواتر است و موضوع آن باید در فضائل اهل بیت علیهم السّلام باشد.

- مرآة العقول، ج ۱ ص ۱۶۵.

- کشف الحق، ص ۱۴.

از این رهگذر این کمترین غلام روسیاه، به نگارش یک سری کتاب چهل حدیث، شامل چهل حدیث، از چهل کتاب، از چهل مؤلف دست یابید، و آنها را: «کتاب الأربعین، عن الأربعین، من الأربعین» نام نهاد.

از این سری چهار مجلد تا کنون به شرح زیر تنظیم شده است:

۱ - یوسف زهرا - سلام الله علیها - شامل چهل حدیث، از چهل کتاب، از چهل دانشمند شیعه، که هر چهل کتاب اختصاص

به

احادیث حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - دارد.

۲ - نور یزدان، شامل چهل حدیث، از چهل کتاب، از چهل دانشمند سنی، که هر کدام فصلی را در کتاب خود به احادیث حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده اند.

۳ - مهدی فاطمه - سلام الله علیهما - شامل چهل حدیث، از چهل کتاب، از چهل دانشمند سنی، که هر چهل کتاب مستقلاً در مورد حضرت مهدی علیه السلام به رشته تحریر در آمده است.

۴ - موعود قرآن، شامل چهل حدیث، در شرح و تفسیر چهل آیه، از چهل سوره که به ظهور منجی بشریت و انقلاب جهانی آن حضرت تأویل شده است.

و اینک چهل حدیث «نور یزدان» در آستانه میلاد آن مهر تابان، به مشتاقان ظهورش تقدیم می گردد:

حدیث اول

حافظ، ابوبکر، عبدالرزاق بن همام صنعانی، استاد بخاری، متولد ۱۲۶ ه. و متوفای ۲۱۱ ه. در کتاب گرانقدر: «المُصَنَّف» فصلی را به احادیث حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیث فراوانی را در این رابطه نقل کرده، از جمله از ابن عباس روایت می کند که گفت:

«لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ»:

«مهدی علیه السلام ظهور نمی کند جز این که نشانه ای با خورشید ظاهر شود».

- المصنّف عبدالرزاق، ج ۱۱ ص ۲۸ (حدیث ۲۰۷۷۵).

این نشانه در احادیث شیعه به دو گونه نقل شده است:

۱ - سینه و صورتی همراه خورشید در آسمان ظاهر می شود.

- یوم الخلاص، ص ۵۱۸.

۲ - دستی در آسمان ظاهر می شود.

- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۳۳.

حدیث دوم

حافظ، ابوبکر، عبدالله بن محمّد بن ابراهیم کوفی، مشهور به: «ابن ابی شیبّه» متولد ۱۵۹ ه. و متوفای ۲۳۵ ه. از عبدالله بن

عمرو در کتاب پر ارج: «المصنّف» روایت می کند که گفت:

«يا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَنْتُمْ أَسْعَدُ النَّاسِ بِالْمَهْدِيِّ»:

«ای اهل کوفه، شما به برکت حضرت مهدی علیه السلام خوشبخت ترین مردم روی زمین هستید».

- المصنّف ابن ابی شیبّه، ج ۱۵ ص ۱۹۷ (حدیث ۱۹۴۸۹).

هنگامی که حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی به دست با کفایت حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - تأسیس شود، تمام مرزهای جغرافیائی درهم می ریزد، و بر همه شرق و غرب جهان فقط یک حکومت فرمان روائی می کند، و پایتخت این حکومت در آن روز فرخنده شهر «کوفه» خواهد بود، از این رهگذر اهل کوفه خوشبخت ترین مردم در طول قرون و اعصار می باشند.

حدیث سوم

احمد بن حنبل، متولد ۱۶۴ هـ! و متوفای ۲۴۱ هـ!، بنیانگذار مذهب حنبلی ها، در کتاب کم نظیر «مسند» که شامل بیش از چهل هزار حدیث مسند می باشد، بخشی را به احادیث حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیث فراوانی را در این رابطه نقل کرده، از جمله از رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - روایت می کند که فرمود:

«أَبَشَّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَزِلَ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالَ صِحاحًا».

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا صِحاحًا قَالَ: «بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ»

«شما را نوید می دهم به مهدی علیه السلام، که به هنگام اختلاف مردم و بحران زندگی، در میان امت من

برانگیخته می شود و زمین را پر از عدل و داد می کند، چنانکه پر از جور و ستم شده است. ساکنان زمین و آسمان از او خشنود می شوند و مال را «صِحاحاً» تقسیم می کند».

یکی از اصحاب پرسید: «صِحاحاً» یعنی چه؟ فرمود: «یعنی به طور مساوی در میان مردم».

- مسند احمد، ج ۳ ص ۳۷.

حدیث چهارم

حافظ، ابو حنین، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، متولد ۲۰۴ هـ! و متوفای ۲۶۱ هـ! در کتاب «صحیح» خود در بخش «فتن» و «اشراط ساعه» از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت می کند که فرمود:

«الْعَجْبُ أَنَّ نَاسًا مِنْ أُمَّتِي يُؤْمُونَ بِالْبَيْتِ، بِرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ قَدْ لَجَأَ بِالْبَيْتِ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ حُسِفَ بِهِمْ»

فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ الطَّرِيقَ قَدْ يَجْمَعُ النَّاسَ. قَالَ:

«نَعَمْ، فِيهِمُ الْمُسْتَبْصِرُ وَالْمَجْبُورُ وَابْنُ السَّبِيلِ، يَهْلِكُونَ مَهْلَكًا وَاحِدًا وَيَصْدُرُونَ مَصَادِرَ شَتَّى، يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَلَى نِيَاتِهِمْ»:

«جای شگفت است که گروهی از امت من به دنبال مردی از قریش که به خانه خدا پناهنده شده، آهنگ خانه خدا را می کنند، چون به سر زمین بیدای برسند، زمین آنها را در کام خود فرو می برد».

راوی می گوید: گفتیم ای رسول خدا ممکن است افراد مختلفی در آن راه گرد آیند، فرمود: «آری در میان آنها برخی آگاه، برخی مجبور و برخی دیگر رهگذر هستند، همگی در یک جا هلاک می شوند، ولی روز قیامت هر کسی بر طبق نیت خود برانگیخته می شود».

- صحیح مسلم، ج ۴ ص ۲۲۱۱ (حدیث ۲۸۸۴).

حدیث پنجم

حافظ، ابو داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، متولد ۲۰۲ هـ! و متوفای ۲۷۵ هـ! در کتاب سنن خود، مشهور به: «سنن ابی داود» که یکی از صحاح ششگانه اهل سنت است، بخشی را به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده، و احادیثی را در این رابطه آورده است، که از آن جمله است حدیث جابر بن سمره از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - که فرمود:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا إِلَىٰ اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً».

«این دین تا

دوازده خلیفه من هست، عزیز و سرافراز است».

جابر بن سمره می گوید: آنگاه مردم تکبیر گفتند و سر و صدا کردند، و رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - مطلبی فرمود که بر من پوشیده ماند، از پدرم پرسیدم که رسول خدا چه فرمود؟ پدرم گفت: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»: «همه آنها از قریش می باشند».

- سنن ابی داود، ج ۴ ص ۱۰۶ (حدیث ۴۲۸۰).

حدیث ششم

حافظ، ابو عبدالله، محمد بن یزید قزوینی، مشهور به: «ابن ماجه» متولد ۲۰۷ هـ! و متوفای ۲۷۵ هـ! در سنن خود، مشهور به «سنن ابن ماجه» که یکی از صحاح ششگانه اهل سنت است، بابی را به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده، و احادیثی را در این زمینه آورده است، از آن جمله است حدیثی که از رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - روایت کرده که فرمود:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَوَطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ»:

«گروهی از خاور زمین برمی خیزند و راه را برای مهدی علیه السلام هموار می کنند».

- سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۱۳۶۸ (حدیث ۴۰۸۸).

با توجه به احادیثی که در آنها از «خراسان» به «مشرق» تعبیر شده است، می توان این حدیث را با خروج سید حسنی تطبیق نمود که طبق روایات شیعه از خراسان برمی خیزد و سپاهی را فراهم می سازد و همه را یکجا به محضر مقدس حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - تقدیم می کند

حدیث هفتم

حافظ، ابو عیسی، محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، متولد ۲۰۹ هـ! و متوفای ۲۷۹ هـ! در کتاب «سنن ترمذی» در بخش «انتظار فرج» از رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - روایت کرده است که فرمود:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِتِنَظَارُ الْفَرَجِ»:

«برترین عبادت ها انتظار فرج است».

- سنن ترمذی، ج ۵ ص ۵۶۵ (حدیث ۳۵۷۱).

قندوزی حنفی پس از نقل این حدیث فرموده است: «ای انتظارُ الفرَجِ بظهورِ المهدي عليه السّلام».

- ینابیع المودّه، ص ۴۹۴.

روایات وارده در اهمّیت انتظار فرج بسیار فراوان است و در برخی از آنها آمده است: «کسی که در حال انتظار بمیرد همانند کسی است که

در میدان جنگ به خون خود آغشته شده باشد» و در برخی دیگر آمده است: «بلکه همانند کسی است که در رکاب رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به شهادت رسیده باشد».

- بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۲۵.

- محاسن برقی، ج ۱ ص ۲۷۹.

حدیث هشتم

ابو زید، احمد بن سهل بلخی، متولد ۲۳۵ هـ! و متوفای ۳۲۲ هـ! در کتاب ارزشمند «البدء و التاریخ» بخشی را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، نزول حضرت عیسی علیه السلام و خروج سفیانی اختصاص داده، و در ضمن احادیث مربوطه، از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ ابْنُ أَكِلَةَ الْأَكْبَادِ عَلَى إِثْرِهِ لِيَسْتَوِلِيَ عَلَى مَبْرِدِ دِمَشْقٍ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانْتَظِرُوا خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ»:

«آنگاه پسر هند جگر خواره - سفیانی - به دنبال او خروج می کند تا بر منبر دمشق سیطره پیدا کند، چون این نشانه ها به وقوع پیوست در انتظار ظهور حضرت مهدی - علیه السلام - باشید».

- البدء و التاریخ، ج ۱ ص ۱۷۸.

طبق احادیث شیعه خروج سفیانی از نشانه های حتمیه است، و دقیقاً هشت ماه بعد از خروج سفیانی حضرت بقیه الله ظهور خواهند فرمود.

- کمال الدین، ص ۶۵۲.

حدیث نهم

حافظ، ابوالقاسم، سلیمان بن احمد طبرانی، متولد ۲۶۰ هـ! و متوفای ۳۶۰ هـ! در کتاب گران سنگ «معجم کبیر» دهها حدیث به صدها طریق پیرامون حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - روایت کرده است، از جمله حدیث زیر است که آن را از رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نقل کرده، که فرمود:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِي إِسْمَهُ إِسْمِي وَ خُلُقُهُ خُلُقِي، يَمَلُّهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»:

«مردی از اهل بیت من ظهور می کند که نامش همان من، و خویش هم خوی منست، زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه پر از جور و ستم شده باشد».

کبیر، ج ۱۰ ص ۱۳۷ (حدیث ۱۰۲۲۹).

طبرانی در معجم کبیر خود این حدیث را به بیست طریق از عبدالله بن مسعود از رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - روایت کرده است.

- معجم کبیر، ج ۱۰ ص ۱۳۱ - ۱۳۷ (حدیث ۱۰۲۰۸ - ۱۰۲۳۰).

حدیث دهم

حافظ، ابو سلیمان، حمد بن محمد بن ابراهیم بن خطاب خطابی بستی، متولد ۳۱۹ هـ! و متوفای ۳۸۸ هـ! در کتاب «معالم السنن» که به عنوان شرح بر سنن ابی داود تألیف کرده، فصلی را به احادیث حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیث وارده را نقل و شرح نموده است، از جمله حدیثی را از ام سلمه از رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - نقل کرده که فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ».

«مهدی از تبار من، از فرزندان فاطمه است».

و ۲ - معالم السنن، ج ۴ ص ۳۴۴.

۳ - نهاییه ابن اثیر، ج ۳ ص ۱۷۷.

سپس در شرح حدیث گفته: «عترت» به فرزندان صلبی انسان گفته می شود و به معنای خویشاوندان نیز آمده است. ۲

ابن اثیر در ذیل حدیث ثقلین می نویسد:

«عترت پیامبر اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - فرزندان عبدالمطلب هستند، و گفته شده مقصود از عترت خویشاوندان نزدیکتر پیامبر می باشند، که عبارتند از فرزندان رسول اکرم و امیرمؤمنان و فرزندان آن حضرت». ۳

حدیث یازدهم

حافظ، ابو عبدالله، محمد بن عبدالله شافعی نیشابوری، مشهور به: «حاکم» متولد ۳۲۱ هـ! و متوفای ۴۰۵ هـ! در کتاب مشهور خود «مستدرک الصحیحین» در بخش «فتن و ملاحم» دهها حدیث پیرامون حضرت مهدی علیه السّلام آورده، از جمله ابو سعید خدری از رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - روایت می کند که فرمود:

«يَنْزِلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ، لَمْ يُسْمِعْ بَلَاءٌ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى تَضِيقَ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ، وَ حَتَّى يُمْلَأَ

الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا، لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً يَلْتَجِيءُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ،

فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسِيطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ يَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجْتُهُ، وَلَا السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّهَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، يَعِيشُ فِيهِمْ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ، أَوْ تِسْعَ، تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرٍ:»

«بر امت من در آخر الزمان بلاى سختى از زمامدارشان نازل مى شود كه بلائى سخت تر از آن شنیده نشده، زمين با همه وسعتش بر آنها تنگ مى شود. زمين پر از جور و ستم گردد و شخص با ايمان پناهگامى نيابد كه به آن پناه ببرد. آنگاه خداوند مردى را از عترت من بر مى انگيزد كه زمين را پر از عدل و داد كند، آن چنانكه پر از جور و ستم شده است. ساكنان زمين و آسمان از او خوشنود باشند، زمين همه بذرهايش را مى روياند و آسمان همه باران رحمتش را بر آنها سيل آسافرو مى ريزد. هفت، هشت و يانه سال در ميان آنها زندگى مى كند، زندگان آرزو مى كنند كه ايكاش مرده هايشان زنده بودند و مى ديدند كه خداوند تبارك و تعالى چه عناياتى به مردم روى زمين انجام داده است»

- مستدرک صحیحین، ج ۴ ص ۴۶۵.

حاکم بعد از نقل حدیث تأکید می کند که سند حدیث صحیح است.

حدیث دوازدهم

حافظ، ابونعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی، متولد ۳۳۶ ه. و متوفای ۴۳۰ ه. در کتاب معروف: «حلیه الاولیاء» از عبدالله بن مسعود روایت می کند که رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمود:

«لا

تَذَهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمَهُ إِسْمِي»:

«دنیا سپری نمی شود جز این که مردی از اهل بیت من فرمانروای جهان شود، که نامش همانم منست».

- حلیه الاولیاء، ج ۵ ص ۷۵.

ابونعیم به گردآوری احادیث حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - عنایت خاصی داشت و لذا چند کتاب مستقل در این زمینه تألیف کرد، که از آن جمله است:

۱ - صفه المهدی (علیه السلام)

۲ - مناقب المهدی (علیه السلام)

۳ - اربعون حدیثاً فی المهدی (علیه السلام)

کتابهای ابونعیم مورد توجه حافظان و محدثان بعدی واقع شده، و در این میان کتاب «اربعین» از توجه خاصی برخوردار شده است.

حدیث سیزدهم

محدث و مورخ شهیر، ابوبکر، احمد بن علی بن ثابت، مشهور به «خطیب بغدادی»، متولد ۳۹۲ هـ! و متوفای ۴۶۳ هـ! در کتاب پر ارج «تاریخ بغداد» گذشته از احادیثی که در رابطه با حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - آورده، حدیثی را در فضیلت شب نیمه شعبان از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل کرده، که متن آن را در اینجا می آوریم:

«لَيْلَةُ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، يَغْفِرُ اللَّهُ لِعِبَادِهِ، إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ لِعَبْدٍ مُشَاحِنٍ».

«شب نیمه شعبان خداوند متعال بندگان را می آمرزد، جز کسی که مشرک یا بدعتگذار باشد».

- تاریخ بغداد، ج ۴ ص ۲۸۵.

«مشاحن» در لغت به معنای شخص کینه توز است، ولی در این حدیث به معنای «بدعتگذار» به کار رفته است، این معنی را ابن اثیر و ابن منظور از «أوزاعی» نقل کرده اند.

- نهاییه ابن اثیر، ج ۲ ص ۴۴۹ و لسان العرب، ج ۷ ص ۴۸.

حدیث چهاردهم

محدث معروف، ابو محمّد، حسین بن مسعود بغوی، متوفای ۵۱۶ ه. در کتاب «مصاییح السنّه» بخشی را به عنوان «اشراط السنّاعه» تنظیم نموده و در آن احادیثی را در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام آورده، از جمله از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت نموده است:

«يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةٌ يَخْضِي الْمَالَ حَثِيًّا وَلَا يُعَدُّهُ عَدًّا»:

«در آخر امت من خلیفه ای خواهد بود که مال را مشت مشت فرو می ریزد، بدون اینکه آن را بشمارد».

- مصاییح السنّه، ص ۱۹۲.

و در حدیث دیگر در مورد فزونی ثروت در عصر ظهور مهدی علیه السلام نقل می کند که: «مال آنقدر افزایش یابد که انسان زکات

مالش را جدا می کند ولی کسی را پیدا نمی کند که آن را بپذیرد».

و ۳ - همان مدرک.

و در حدیث دیگری نقل می کند: «زمین گنجهای درونش را چون استوانه های طلا و نقره بیرون می ریزد، قاتل گوید: برای اینها من آدم کشتم، قاطع رحم گوید: من برای اینها رحم خود را قطع کردم، دزد گوید: برای اینها دست من بریده شد، آنگاه آنها را فرو گذارند و چیزی از آن بر ندارند» ۳.

حدیث پانزدهم

دانشمند شهیر، ابو السعادات، مجد الدین، مبارک بن محمد شبیبانی، مشهور به «ابن اثیر جزری» متولد ۵۴۴ هـ! و متوفای ۶۰۶ هـ! در کتاب: «جامع الاصول من احادیث الرسول» فصلی را به نزول حضرت عیسی و ظهور حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیثی را از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت کرده، از جمله این حدیث:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا»:

«اگر جز یک روز از روزگار باقی نباشد، خداوند در آن روز مردی را از اهلیت من بر می انگیزد که جهان را پر از عدالت کند، آن چنانکه پر از ستم شده است».

- جامع الاصول، ج ۱۱ ص ۴۹ (حدیث ۷۸۱۱).

ابن اثیر در کتاب «نهایه» نیز احادیثی را در مورد حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - نقل کرده است.

- النهایه، ج ۱ ص ۲۰، ۲۹۰، ج ۲ ص ۱۷۲، ۳۲۵، ۳۸۶، ج ۴ ص ۳۳.

حدیث شانزدهم

مورخ گرانمایه، ابو الحسن، عزالدین، علی بن محمد شبیبانی، مشهور به: «ابن اثیر جزری» [برادر ابو السعادات] متولد ۵۵۵ هـ! و متوفای ۶۳۰ هـ! صاحب «الکامل» در کتاب پر ارج: «اسد الغابه» از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت می کند که فرمود:

«سَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ، وَ مِنْ بَعْدِ الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ، وَ مِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مُلُوكٌ جَبَابِرَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا»:

«بعد از من خلفا، پس از خلفا امیران، و بعد از آنها پادشاهان ستمگر خواهند بود، آنگاه مردی از اهلیت من خارج می شود که

پر از عدالت می کند، آن چنانکه پر از ستم شده است».

- اسد الغابه، ج ۱ ص ۲۶۰.

حدیث هفدهم

پیشتر از ارباب تصوف و عرفان، محمد بن علی بن محمد طائی، مشهور به: «محمی الدین، ابن عربی» و ملقب به: «شیخ اکبر»، متولد ۵۶۰ ه. و متوفای ۶۳۸ ه. در کتاب معروف: «فتوحات مکیه» فصلی را به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اختصاص داده، احادیثی را از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در سیرت آن حضرت روایت کرده، از آن جمله است:

«يَقْفُو أَثْرِي لَا يُخْطِي»:

«مهدی علیه السلام قدم در جای پای من می گذارد و هرگز خطا نمی رود».

- فتوحات مکیه، ج ۳ ص ۳۳۲ (باب ۳۶۶).

ابن عربی بر طبق این نص صریح رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به عصمت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - معتقد می شود و در چند مورد از این کتاب، به استناد حدیث فوق، بر عصمت آن حضرت تأکید می کند و می گوید:

«مهدی علیه السلام حجت خدا بر اهل زمان است، و مقام او هم سنگ پیامبران عظیم الشان الهی است».

- همان مدرک، ص ۳۳۸.

حدیث هجدهم

محدث پر آوازه، کمال الدین، محمد بن طلحه قرشی نصیبی شافعی، متولد ۵۸۲ ه. و متوفای ۶۵۲ ه. در کتاب پر ارج: «مطالب السؤل» بخشی را به وجود مقدس حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیث فراوانی از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل کرده، از جمله حدیث زیر است:

«نَحْنُ وُلْدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ الْجَنَّةِ: أَنَا وَ حَمْرَةُ وَ جَعْفَرُ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ»:

«ما فرزندان عبد المطلب سروران اهل بهشتیم: من، حمزه سید الشهداء، جعفر طیار، علی بن ابی

طالب، حسن، حسین و مهدی».

- مطالب السؤل، ج ۲ ص ۸۹.

محمد بن طلحه در این کتاب تأکید می کند که مقصود از حضرت مهدی علیه السلام، حجه بن الحسن العسکری - علیه السلام - است، آنگاه سلسله نسب آن حضرت را تا امیر مؤمنان - علیه السلام - می شمارد و هر احتمال دیگری را با استناد به احادیث صحیحه محکوم می کند.

- همان مدرک ص ۸۸.

* * *

حدیث نوزدهم

فقیه مشهور، یوسف بن فرغلی بغدادی، معروف به: «سبط ابن جوزی» متولد ۵۸۱ ه. و متوفای ۶۵۴ ه. در کتاب ارزشمند «تذکره الخواص» فصلی را به نام حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، و احادیثی را از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت کرده است، از جمله از سدی نقل می کند که گفت:

«يَجْتَمِعُ الْمَهْدِيُّ وَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَجِيءُ وَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ لِعِيسَى: تَقَدَّمْ، فَيَقُولُ عِيسَى: أَنْتَ أَوْلَى بِالصَّلَاةِ، فَيَصَلِّي عِيسَى وَرَاءَهُ مَأْمُومًا»:

«حضرت مهدی علیه السلام با حضرت عیسی علیه السلام گرد می آیند، هنگام نماز فرا می رسد، حضرت مهدی به حضرت عیسی می فرماید: بفرمائید جلو، حضرت عیسی می گوید: نه، شما برای امامت نماز شایسته تر هستید، آنگاه حضرت عیسی به آن حضرت اقتدا می کند و نماز را پشت سر او می خواند».

و ۲ - تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

ابن جوزی نیز بر عصمت آن حضرت تأکید می کند و سلسله نسب آن حضرت را از امام حسن عسکری تا امیر مؤمنان (علیهما السلام) می شمارد. ۲.

حدیث بیستم

مورخ و الامقام، ابو حامد، عزالدین، عبد الحمید بن هبه الله معتزلی، مشهور به: «ابن ابی الحدید» متولد ۵۸۶ ه. و متوفای ۶۵۵ ه. در کتاب گرانقدر «شرح نهج البلاغه» در دهها مورد از حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - سخن گفته، از جمله حدیثی را از امیر مؤمنان - علیه السلام - روایت کرده که در وصف آن حضرت می فرماید:

«أَجَلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبُطْنِ، أَرْيَلُ الْفُخْدَيْنِ، أَبْلَجُ الثَّنَائَا، بِفَخْدِهِ الْأَيْمَنِ شَامَةٌ»:

«پیشانی باز، دماغ باریک، سینه ای ستبر، پاهائی گشاد و دندانهای براق دارد، و در ران

راستش خالی هست».

- شرح نهج البلاغه، ج ۱ ص ۲۸۲.

ابن ابی الحدید یکبار دیگر این حدیث را در میان احادیث منتخب خودش - که به عنوان استدراک بر سید رضی گرد آورده - نقل می کند، جز این که «ارْبَل» به جای «أزَيْل» و «أفلج» به جای «أبلج» ضبط کرده، که از نظر معنی فرق نمی کند.

- همان مدرک، ج ۱۹ ص ۱۳۰.

حدیث بیست و یکم

حافظ، ابو محمّد، عبدالعظیم بن عبد القوی منذری شافعی، متولد ۵۸۱ هـ! و متوفای ۶۵۶ هـ! سنن ابی داود را با معالم السنین خطابی تلخیص کرده و آن را «المجتبی» نام نهاده است. این کتاب با تعلیقات «ابن قیّم جوزیه» تحت عنوان: «مختصر سنن ابی داود» انتشار یافته است.

منذری در این کتاب فصلی را به احادیث حضرت بقیّه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیثی را نقل کرده، از آن جمله است حدیث زیر، که آن را با سند صحیح از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت نموده است:

«الْمَهْدِيُّ مِنِّي، أَجَلِي الْجَبْهَةِ، أَقْنَى الْأَنْفِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ»:

«مهدی از تبار منست، پیشانی گشاده و بینی کشیده دارد، زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنانکه پر از جور و ستم شده باشد، هفت سال فرمانروائی کند».

- مختصر ابی داود، ج ۶ ص ۱۶۰ (حدیث ۴۱۱۶).

حدیث بیست و دوم

مفسّر کم نظیر، ابو عبدالله، محمّد بن احمد بن ابی بکر قرطبی، متوفای ۶۷۱ هـ! صاحب تفسیر پر ارج قرطبی، در کتاب «تذکره» اش بابی را به حضرت بقیّه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، و احادیث فراوانی در این رابطه گرد آورده است، از آن جمله حدیثی را با سلسله اسناد خود از امام محمّد باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«إِنَّ لِمَهْدِيْنَا آيَاتَيْنِ لَمْ يَكُنَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَنْكَسِفُ الْقَمَرَ لِأَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ رَمَضَانَ، وَتَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْهُ»:

«برای مهدی ما دو نشانه است که از آغاز خلقت آسمانها و زمین هرگز چنین چیزی روی

نداده است:

۱ - ماه در شب اول ماه رمضان گرفته می شود.

۲ - خورشید در روز نیمه ماه رمضان گرفته می شود.

- تذکره قرطبی، ج ۲ ص ۶۱۹.

بر طبق ضوابط علم هیئت چنین چیزی هرگز روی نمی دهد ولی در حدیث تصریح شده که این یک استثنا در جهان آفرینش است.

- غیبت شیخ طوسی ص ۲۷۰.

حدیث بیست و سوم

محدث عالی مقام، محب الدین، احمد بن عبدالله بن محمد طبری، متولد ۶۱۵ ه. و متوفای ۶۹۴ ه. در کتاب پر ارج: «ذخائر العقبی» بخشی را به احادیث حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده و احادیث ارزشمندی در این رابطه نقل کرده است، از جمله حدیثی است که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در بستر مرگ به عنوان تسلی برای حضرت زهرا - سلام الله علیها - بیان فرموده است:

در لحظاتی که رسول خدا جان می سپرد، صدای حضرت فاطمه - سلام الله علیها - به گریه بلند شد، پیامبر اکرم دیدگان خود را گشود و به سوی حضرت فاطمه نگریست و فرمود: «حبیبه ام فاطمه، چرا گریه می کنی؟» عرض کرد: «می ترسم بعد از شما تباهی رخ دهد» فرمود:

«یا حبیبتی أما علمت ان الله اطلع على أهل الأرض اطلاقه، فاختار منها أباك، فبعته برسالتی، ثم اطلع اطلاقه، فاختار منها بعلك، و أوحى إلى ان نکحک إیاءه.

یا فاطمه و نحن أهل بیت، قد اعطانا الله سبع خصال لم یعط أحد قبلنا، و لا یعطی أحد بعدنا، أنا خاتم النبیین و اکرمهم علی الله و أحب المخلوقین إلى الله عزوجل و أنا أبوک، و وصی خیر الأوصیاء و أحبهم إلى الله عزوجل و هو بعلك،

وَ شَهِدْنَا خَيْرَ الشَّهِدَاءِ وَ أَحَبَّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ هُوَ حَمَزُهُ بَنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، عَمُّ أَبِيكَ وَ عَمُّ بَعْلَتِكَ، وَ مِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ
أَخْضَرَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ، وَ هُوَ ابْنُ عَمِّ أَبِيكَ وَ أَخُو بَعْلَتِكَ، وَ مِنَّا سِبْطُ هَذِهِ الْأُمِّهِ وَ هُمَا ابْنَاكَ الْحَسَنُ
وَ الْحُسَيْنُ، وَ هُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ أَبُوهُمَا - وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ - خَيْرٌ مِنْهُمَا.

يَا فَاطِمَةُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِي هَذِهِ الْأُمِّهِ، إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَ مَرَجًا، وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ، وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ، وَ
أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَاحِبًا وَلَا صَاحِبَ يُوَقِّرُ كَبِيرًا، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَ الصَّلَاةِ وَ
قُلُوبًا غُلْفًا، يَقُومُ بِالَّذِينَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، كَمَا قُتِلَ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا:

«ای ناز دانه من، مگر نمی دانی که خداوند متعال توجّهی به روی زمین فرمود و پدرت را از میان اهل زمین برگزید و او را به
رسالت برانگیخت. یکبار دیگر توجّهی نمود و همسرت را برگزید، و به من وحی فرمود که ترا به ازدواج او در آورم.

ای فاطمه، ما خاندانی هستیم که خداوند به ما هفت امتیاز داده، که پیش از ما به کسی داده نشده، و بعد از ما به کسی داده
نخواهد شد:

۱ - من خاتم پیامبران و گرامی ترین آنان در نزد خداوند و محبوبترین مخلوقات در پیشگاه خداوند هستم، و من پدر تو می
باشم.

۲ - جانشین من برترین اوصیا و گرامی ترین آنان در پیشگاه خداوند است، و او همسر تست.

۳ - شهید ما بهترین

شهیدان و گرامی ترین آنان در نزد پروردگار است، و او حمزه بن عبدالمطلب است، که عموی پدرت و عموی همسرت می باشد.

۴ - کسی که دو بال سبز دارد و با آن بالها در بهشت به هر کجا که بخواهد با فرشتگان پرواز می کند، از ماست، و او پسر عموی پدرت و برادر همسرت می باشد.

۵ و ۶ - دو سبط امت از ماست، و آنها دو فرزند تو: حسن و حسین می باشند که سرور جوانان بهشتی هستند، سوگند به خدائی که مرا به حق برانگیخت، پدرشان از آنها برتر است.

۷ - ای فاطمه - سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت - مهدی این امت نیز از تبار آن دو فرزند تست.

هنگامی که دنیا هرج و مرج شود، فتنه ها روی آورد، راهها ناامن شود، گروهی بر گروه دیگر شیخون زنند، دیگر بزرگترها بر کوچکترها ترحم نکنند و کوچکترها بر بزرگترها وقعی نهند، خداوند در چنین زمانی از تبار آنها کسی را برمی انگیزد که قلعه های ظلال را بگشاید و دلهای مهر شده را باز گشائی نماید. او در آخر الزمان پرچم دین را برافرازد، آن چنانکه من در این زمان برافراشتم. و زمین را پر از عدالت نماید، آن چنانکه پر از ستم شده باشد».

- ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.

حدیث بیست و چهارم

محدث بزگوار، شیخ الاسلام، ابراهیم بن محمد بن مؤید بن حمویه جوینی، متولد ۶۴۴هـ! و متوفای ۷۲۲هـ! در کتاب کم نظیر «فرائد السیمین» چندین فصل را به حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - اختصاص داده، و احادیث فراوانی را با سلسه اسنادش روایت کرده است، از

جمله حدیث شریف زیر، که آن را ابن عباس از رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - روایت کرده است:

«أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ»:

«من، علی، حسن، حسین، و نه تن از اولاد حسین، همه پاک و پاکیزه و معصوم هستیم».

- فرائد السمطين، ج ۲ ص ۳۱۳.

عصمت چهارده معصوم از نظر شیعیان قطعی و تردید ناپذیر است، و از نظر اهل سنت نیز حدیث فوق یکی از دلائل عصمت معصومین علیهم السلام می باشد. در ذیل حدیث هفدهم نیز به این نکته اشاره ای داشتیم.

* * *

حدیث بیست و پنجم

محدث جلیل القدر، ولی الدین، محمد بن عبد الله عمری، مشهور به «خطیب تبریزی»، متوفای ۷۴۱ هـ! در کتاب «مشکاه المصابیح» از ابو سعید خدری روایت می کند که گفت:

«ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بَلَاءً يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي وَاهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّتْهُ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، حَتَّى يَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتُ»:

«رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - از بلای جانکاهی سخن گفت که دامنگیر این امت شود و مردم پناهگاهی پیدا نکنند که از ستم به آن پناه ببرند، آنگاه خداوند مردی را از تبار من می فرستد که زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنانکه پر از جور و ستم شده باشد. اهل

آسمان و زمین از او خشنود باشند، آسمان همه باران رحمتش را سیل آسا بریزد، زمین همه گیاهانش را برویاند، تا جائی که زندگان مرده های خود را آرزو کنند».

- مشکاه المصابیح، ج ۳ ص ۱۸۴ (حدیث ۵۴۵۷).

حدیث بیست و ششم

محدث شهیر، ابو عبدالله محمد بن ابی بکر حنبلی، مشهور به «ابن قیّم جوزیه» متولد ۶۹۱ ه. و متوفای ۷۵۱ ه. از شاگردان ابن تیمیّه، و از پایه گذاران وهابیت، علاوه بر رساله مستقلی که پیرامون حضرت ولی عصر - عجل الله فرجه - تألیف کرده، در کتاب «المنار المنیف» نیز فصلی را به بررسی احادیث حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده و بر تواتر احادیث حضرت مهدی تأکید می کند و می گوید: «از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - احادیث مربوط به حضرت مهدی، و اینکه او پیشوای امت می باشد و عیسی پشت سرش نماز می خواند، به طور متواتر و مستفیض رسیده است».

و ۲ - المنار المنیف، ص ۱۴۲ و ۱۴۷.

از احادیثی که ابن قیّم نقل کرده حدیث زیر است:

«يُنزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ: تَعَالَ صَلِّ بِنَا، فَيَقُولُ لَا، إِنَّ بَعْضَهُمْ أَمِيرٌ بَعْضٍ، تَكْرِمَهُ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ»:

«حضرت عیسی علیه السلام فرود آید، فرمانده مسلمانان حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: بیا برای ما نماز را اقامه کن، حضرت عیسی می فرماید، نخیر، بلکه برخی از این امت امیر برخی دیگر است، و این از عطایای پروردگار است بر این امت».

حدیث بیست و هفتم

محدث و مورخ شهیر، ابوالفداء، عمادالدین، اسماعیل بن عمر بن کثیر شافعی، مشهور به: «ابن کثیر» متولد ۷۰۰ ه. و متوفای ۷۷۴ ه. از شاگردان ابن تیمیّه و از پیشوایان وهابی ها، و از دشمنان شناخته شده تشیع، در کتاب: «التهایه» فصلی را به بررسی احادیث حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده و به صحت تعدادی از آنها اعتراف کرده، که یکی از آنها

حدیث زیر است:

«إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا، [زَيْدُ الشَّاكِّ] فَيَجِيءُ إِلَى الرَّجُلِ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيَّ أَعْطِنِي، أَعْطِنِي، فَيَحْتَنِي لَهُ فِي تَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ»:

«در امت من مهدی ظاهر می شود و ۵ یا ۷ یا ۹ سال زندگی می کند تردید از زید است

هنگامی که شخصی به او بگوید: ای مهدی به من عطا کن، مشت مشت در میان لباس او می ریزد آن قدر که بتواند حمل کند»

- النهایه، ج ۱ ص ۳۰.

حدیث بیست و هشتم

حافظ، ابوالحسن، نورالدین، علی بن ابی بکر بن سلیمان هیشمی شافعی، متولد ۷۳۵ ه. و متوفای ۸۰۷ ه. در کتاب ارزشمند «مجمع الزوائد» در فصل احادیث حضرت مهدی علیه السلام از رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - روایت کرده است:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي يَقُولُ بِسُنَّتِي، يُنَزِّلُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَ يُنْبِتُ اللَّهُ لَهُ الْأَرْضَ مِنْ بَرَكَتِهَا، تُمَلَأُ الْأَرْضُ مِنْهُ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَعْمَلُ عَلَى هَذِهِ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يُنَزِّلُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ»:

مردی در میان امت من ظاهر می شود که سنت مرا بیان می کند، خداوند متعال به جهت او باران را از آسمان فرو می فرستد، و به خاطر او برکات زمین را می رویاند، زمین به وسیله او پر از عدل و داد شود، آن چنانکه پر از جور و ستم شده است. او هفت سال برای این امت تلاش می کند، و در بیت المقدس فرود می آید».

- مجمع الزوائد، ج ۷ ص ۳۱۷.

هیشمی در کتاب دیگرش: «مَوَارِدُ الظُّمَانِ» نیز فصلی را به احادیث حضرت مهدی علیه السلام

اختصاص داده است.

- موارد الظمان، ص ۴۶۳.

حدیث بیست و نهم

مخبر و مورخ شهیر، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز، مشهور به «ذهبی» صاحب تاریخ اسلام، میزان اعتدال، و دیگر کتب ارزنده، در کتاب «تلخیص مستدرک» که در ذیل مستدرک حاکم چاپ شده، در بخش «فتن و ملاحم» احادیث حضرت مهدی علیه السلام را گرد آورده، از جمله حدیث زیر را از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت کرده است:

«يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَ يُعْطِي الْمَالَ صِحاحاً، وَ تَكْثُرُ الْمَشَاهِدُ، وَ تَعْظُمُ الْأُمَّةُ، يَعِيشُ سَبْعًا أَوْ ثَمَانِيًا»:

«در پایان امت من مهدی - علیه السلام - ظاهر می شود، خداوند او را از باران سیراب می فرماید، زمین گیاهانش را می رویاند، او مال را به طور مساوی عطا می فرماید، دام در عصر او فراوان می شود، امت اسلامی عظمت و شکوه پیدا می کند، او هفت و یا هشت سال زندگی می کند».

- مستدرک صحیحین، ج ۴، ذیل ص ۵۵۸.

ذهبی بر صحت این حدیث تأکید کرده است.

حدیث سی ام

فقیه و مورخ، نورالدین، علی بن محمد بن احمد، مشهور به «ابن صباغ مالکی» متولد ۷۸۴ ه. و متوفای ۸۵۵ ه. در کتاب «الفصول المهمه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«يُنَادِي بِأَسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلِهِ [ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ، وَ يَقُومُ فِي يَوْمٍ] عَشُورَاءَ، وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحَسَيْنُ، وَ لَكَأَنِّي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ، قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ يَمِينِهِ، يُنَادِي: «الْأَجْبَعَةُ لِلَّهِ»، فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطْوِي لَهُمْ طَيًّا، حَتَّى يُبَا يَعُوهُ، فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ

الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»:

«به نام قائم - علیه السّلام - در شب بیست و سوم (رمضان) ندا می شود، و روز عاشورا قیام می کند، و آن روزی است که امام حسین علیه السّلام در آن به شهادت رسیده است، گوئی او را در روز شنبه دهم محرم به چشم خود می بینم که در میان رکن و مقام ایستاده، جبرئیل در طرف راست او فریاد می زند: «بیعت برای خدا» پس شیعیانش از اطراف زمین با طیّ الأرض گرد آیند و با او بیعت کنند، پس خداوند به دست او زمین را پر از عدالت کند، چنانکه با ظلم و ستم پر شده است».

- الفصول المهمه، ص ۳۰۲.

حدیث سی و یکم

علامه، ابوالموهّب، عبدالوّهّاب بن احمد بن علی شافعی شاذلی، مشهور به «شعرانی» متولد ۸۹۸ ه. و متوفای ۹۷۳ ه. در کتاب ارزشمند «الیواقیت و الجواهر» آورده است که:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا، فَإِذَا طَلَعَتْ وَرَأَاهَا النَّاسُ آمَنُوا أَجْمَعُونَ، حِينَ: (لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ)»:

- سوره انعام آیه ۱۵۸.

«قیامت بر پا نمی شود جز هنگامی که خورشید از مغرب طلوع کند، در آن هنگام همه ایمان آورند، ولی دیگر دیر شده، آن هنگام ایمان آوردن سودی ندارد برای کسی که پیش از آن ایمان نیاورده».

- الیواقیت و الجواهر، ج ۲ ص ۱۳۰.

و در احادیث فراوانی تأکید شده که بعد از قیام جهانی حضرت مهدی دیگر ایمان آوردن سودی ندارد. و از علی علیه السّلام روایت شده که «مهدی همان خورشیدی است که از مغرب طلوع می کند».

- کمال الدین، ج ۱ ص ۱۸، ۳۰، ۳۳۶ و ج ۲

حدیث سی و دوم

شیخ الاسلام، ابو العباس، احمد بن محمد بن علی بن حجر، مشهور به: «ابن حجر هیتمی» متولد ۹۰۹ هـ. و متوفای ۹۷۴ هـ. علاوه بر کتاب: «القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر» در کتاب «الفتاوی الحدیثیه» فصلی را به احادیث حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، در آنجا از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«يُظْهِرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ، مَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَ قَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ وَ عِلَامَاتُ وَ نُورٌ وَ بَيَانٌ، فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ خَطَبَ خُطْبَةً بِأَعْلَى صَوْتِهِ... فَيُظْهِرُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا - عِدَدَ أَهْلِ بَدْرٍ - عَلَى غَيْرِ مِعَادٍ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، أُسَيْدٌ بِالنَّهَارِ، فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ أَرْضَ الْحِجْرِ، وَ يَسْتَخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي السَّجْنِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، وَ تَنْزِلُ الرَّاياتُ السُّودُ بِالْكُوفَةِ، فَيُبْعَثُ بِالْبَعْثِ إِلَى الْمَهْدِيِّ، وَ يُبْعَثُ الْمَهْدِيُّ جُنُودَهُ إِلَى الْأَفَاقِ، وَ يُمِيتُ الْجُورَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَسْتَقِيمُ لَهُ الْبُلْدَانُ، وَ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ الْقُسْطَنْطِينِيَّةَ»:

«حضرت مهدی علیه السلام به هنگام نماز عشا در مکه معظمه ظاهر می شود، در حالی که پرچم، پیراهن و شمشیر رسول اکرم - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - همراه اوست، او با نشانه ها، با چهره ای نورانی و بیانی رسا ظاهر می شود، خطبه ای با صدای بسیار بلند ایراد می کند، آنگاه در میان ۳۱۳ نفر از اصحابش - به تعداد اهل بدر - بدون وعده قبلی ظاهر می شود. اصحابی که راهبان شب و شیران روزند، خدواند متعال

دژهای مستحکم را به دست او می گشاید، او زندانیهای بنی هاشم را رها می سازد، پرچمهای سیاه در کوفه فرود می آیند و سپاهیان را به محضر حضرت مهدی علیه السلام گسیل می دارند، آنگاه حضرت مهدی علیه السلام لشکریانش را به اطراف و اکناف جهان می فرستد، ستم و ستمگر را ریشه کن می سازد، همه کشورها در اختیار او قرار می گیرد، و خداوند قسطنطنیه - استانبول - را به دست او فتح می کند».

- الفتاوی الحدیثیه، ص ۴۲.

ابن حجر در کتاب «الصواعق المحرقة» نیز فصلی را به احادیث حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده، بر صحت و تواتر احادیث وارده در این رابطه تأکید می کند.

- الصواعق المحرقة، ص ۱۶۰ - ۱۶۷.

* * *

حدیث سی و سوم

محدث والاقدر، علاءالدین، علی بن حسام الدین برهان فوری، مشهور به «متقی هندی» متولد ۸۸۵ ه. و متوفای ۹۷۵ ه. علاوه بر کتابهای: «البرهان» و «تلخیص البیان» در کتاب پیراج «کنز العمال» نیز فصلی به احادیث حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیث فراوانی را در این رابطه روایت کرده، از جمله حدیثی که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید:

«كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوْلِيهَا وَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي آخِرِهَا وَالْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي وَسْطِهَا»:

«چگونه هلاک می شود امتی که من در سرآغاز آن، حضرت عیسی علیه السلام در پایان آن، و مهدی از اهل بیت من در میان آن است».

- کنز العمال، ج ۱۴ ص ۲۶۹ (حدیث ۳۸۶۸۲).

متقی این حدیث را در کتاب «البرهان» نیز آورده است.

- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۵۹.

ابن حجر بعد از نقل

این حدیث می گوید: مقصود از «وسط» پیش از آخر است، نه وسط حقیقی.

- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر - مخطوط -

حدیث سی و چهارم

محدث شهیر، علی بن سلطان محمد هروی، مشهور به: «ملا علی قاری» متوفای ۱۰۱۴ هـ! علاوه بر کتاب: «المشرب الوردی فی اخبار المهدی» در کتاب «مرقاه المفاتیح» نیز فصلی را به اخبار حضرت بقیه الله - روحی و ارواح العالمین له الفداء - اختصاص داده و احادیث فراوانی را نقل و شرح کرده، از جمله حدیث زیر را از طریق ام سلمه از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت کرده که فرمود:

«يَكُونُ اِخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِيفِهِ، فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا اِلَى مَكَّةَ، فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ اَهْلِ مَكَّةَ، فَيَخْرِجُونَهُ وَ هُوَ كَارِهٌ، فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَ يُبْعَثُ اِلَيْهِ بَعْثٌ مِنَ الشَّامِ، فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ، بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ، فَاِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ، اَتَاهُ اَبْدَالُ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ اَهْلِ الْعِرَاقِ، فَيُبَايِعُونَهُ.

ثُمَّ يَنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ، اَخْوَالُهُ كَلْبٌ، فَيُبْعَثُ اِلَيْهِمْ بَعْثًا، فَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ، وَ ذَلِكَ بَعْثُ كَلْبٍ.

وَ يَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ، وَ يُلْقِي الْاِسْلَامَ بِجِرَانِهِ فِي الْاَرْضِ، فَيَلْبَثُ سَبْعَ سِنِينَ، ثُمَّ يَتَوَفَّى وَ يُصَلَّى عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ»:

«مردی از اهل مدینه به سوی مکه پناه می برد، جمعی از اهل مکه آهنگ او را می کنند و در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند، در حالی که او اکراه دارد.

لشکری از شام به سوی او گسیل می شود، در سرزمین پیدا - میان مکه و مدینه - در زمین فرو می روند. چون مردم این واقعه را مشاهده کنند، ابدال شام و اخیار عراق

به سویس می شتابند و با او بیعت می نمایند.

آنگاه یک نفر قرشی که مادرش از قبیله کلب است خروج می کند، و لشکری به طرف او گسیل می دارد، که از قبیله کلب هستند، و سپاهیان - حضرت مهدی - بر آنها پیروز می شوند.

او در میان مردم به سیره پیامبرشان عمل می کند، پس همه احکام اسلام پیاده می شود، هفت سال حکومت می کند، آنگاه رحلت می کند و مسلمانان بر پیکرش نماز می خوانند.

- مرقاه المفاتیح، ج ۵ ص ۱۸۰ - ۱۸۲.

در روایات اهلبیت علیهم السّلام تأکید شده که امام حسین علیه السّلام رجعت می کند و آن حضرت را تجهیز می کند و به خاک می سپارد.

- روضه کافی، ج ۲ ص ۳، بحار، ج ۵۱ ص ۵۶، تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۲۸۱.

حدیث سی و پنجم

مورّخ مشهور، ابوالعباس، احمد بن یوسف بن احمد قرمانی، متولّد ۹۳۹ ه. و متوفای ۱۰۱۹ ه. در کتاب معروف خود: «أخبار الدّول و آثار الأوّل» فصلی را به تاریخ حضرت بقیهاللّه - ارواحنا فداه - اختصاص داده، و احادیثی را در این رابطه آورده، از جمله از عبدالکریم نخعی نقل می کند که گفت:

به خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کردم: حضرت قائم علیه السّلام چند سال فرمانروائی می کند؟ فرمود:

«سَبْعَ سِنِينَ، تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِينِهِ بِمِقْدَارِ عَشْرِ سِنِينَ، فَيَكُونُ مُدَّةُ مُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِينِكُمْ»:

«هفت سال، ولی روزها و شبها طولانی می شود و یکسال در عصر او برابر ده سال می گردد، پس مدّت حکومت او با سالهای شما معادل هفتاد سال می شود».

- اخبار الدّول، ص

در برخی روایت مدّت حکومت آن حضرت چهل سال آمده است، که بر اساس روایت فوق معادل چهارصد سال می شود.

-البیان، ص ۱۱۱.

حدیث سی و ششم

محدّث شهیر، عبدالرؤف بن تاج العارفین حدّادی، مشهور به «محمّد مناوی» متولّد ۹۵۲ هـ! و متوفّای ۱۰۳۱ هـ! در کتاب پراج «فیض القدر» احادیث فراوانی را در مورد حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - آورده، که از آن جمله است حدیث زیر:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلِكُ جَبَلَ الدَّيْلَمِ وَالْقُسْطَنْطِيَّةَ»:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی گرداند که در آن مردی از اهلیت من به حکومت برسد، بر کوه های دیلم و قسطنطیه فرمان روائی کند».

- فیض القدر، ج ۵ ص ۳۳۲ (حدیث ۷۴۹۱).

کوه های دیلم: ارتفاعات سیاهکل - در نواحی لاهیجان - می باشد و شاید به همین مناسبت بود که در قدیم همه گیلان را دیلم می گفتند، و نام قصبه و بندری در استان بوشهر است.

قسطنطیه: استانبول امروزی است.

حدیث سی و هفتم

مفسّر و محدّث جلیل القدر، محمّد بن رسول حسنی شهرزوری، مشهور به: «محمّد برزنجی» متولّد ۱۰۴۰ هـ! و متوفّای ۱۱۰۳ هـ! صاحب کتاب پراج «بغیه الطالب لإیمان أبی طالب» در کتاب ارزشمند «الإشاعة» بخش مهمی را به احادیث حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیث فراوانی را نقل کرده، از جمله روایت زیر را از امیرمؤمنان علیه السلام آورده است که فرمود:

«إِذَا نَادَى مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَ يُشْرَبُونَ حُبَّهُ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ

«هنگامی که منادی آسمانی ندا می کند که: حق با آل محمد - صلوات الله عليهم - می باشد، نام حضرت مهدی علیه السلام بر سر زبانها می افتد و دلها مالا مال از محبت او شود، دیگر مردم را کاری جز عشق بازی با یاد او و نام او نباشد».

-الإشاعة لأشراط الساعة، ص ۱۱۷.

حدیث سی و هشتم

محدث و مورخ شهیر، ابوالعون، شمس الدین، محمد بن احمد حنبلی نابلسی، مشهور به: «محمد سفارینی» متولد ۱۱۱۴ ه. و متوفای ۱۱۸۸ ه. احادیث فراوانی را در کتاب «لوائح الأنوار البهیه» پیرامون حضرت مهدی علیه السلام آورده، از جمله حدیث زیر است:

«لَا تُحْشَرُ أُمَّتِي حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ، يَمُدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَيَخْرُجُ إِلَيْهِ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ، وَالنُّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ، وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الشَّرْقِ، حَتَّى يَأْتُوا مَكَّةَ، فَيَبَايِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى الشَّامِ وَ جِبْرِيلُ عَلَى مَقْدَمَتِهِ، وَ مِيكَائِيلُ عَلَى يَسَارِهِ، وَ مَعَهُ أَهْلُ الْكَهْفِ آغْوَانٌ لَهُ، فَيَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ، وَ تَزِيدُ الْمِيَاهُ وَ تَمْتَدُّ الْأَنْهَارُ، وَ تُضَعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا، فَيَقْدُمُ إِلَى الشَّامِ، فَيَأْخُذُ السُّفْيَانِيَّ، فَيَذْبَحُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا إِلَى بُحَيْرِهِ طَبْرِيَّهَ»:

«امت من وارد محشر نمی شود تا مهدی علیه السلام ظهور کند، خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می کند. ابدال شام، نجیبان مصر و برگزیدگان خاور زمین همراه او خروج می کنند. همگی در مکه گرد می آیند، و در میان رکن و مقام با او بیعت می نمایند، آنگاه به سوی شام عزیمت می نمایند، در حالی که جبرئیل پیشاپیش آن حضرت، میکائیل

طرف چپ او، و اصحاب کهف در حضور آن حضرت و یاوران وی باشند.

اهل آسمان و زمین از ظهور او خرسند باشند، پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا شادمانی کنند.

آبها فراوان شود، رودخانه ها گسترش یابند، زمین میوه هایش را افزایش دهد.

آنگاه وارد شام شود و سفیانی را دستگیر کند، و در کنار دریاچه طبریّه، در زیر درختی که شاخه هایش بر فراز دریا گسترده است او را سر می برند».

- لوائح الانوار البهیّه، ج ۲ ص ۷۸.

حدیث سی و نهم

دانشمند معروف، ابو عرفان، محمّد بن علی صبّان مصری، متوفای ۱۲۰۶ ه^۱. در کتاب پر ارج «إسعاف الزّاعین» فصلی را به احادیث حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - اختصاص داده، احادیث فراوانی را در این رابطه گرد آورده، از جمله از رسول گرامی اسلام روایت نموده که فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِيِّ، اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِيٍّ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، يَرْضَى لِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ»:

«مهدی از تبار منست، چهره اش همانند ستاره ای فروزان، سیمایش سیمای عربی، و هیكلش چون هیكل اسرائیلی است [یعنی: قامتش بلند و رشید] زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنانکه پر از ستم شده باشد. اهل آسمان و زمین از خلافتش دلشاد می شوند».

- إسعاف الزّاعین، ص ۱۳۴ (در حاشیه نور الأخبار).

حدیث سی و هفتم

حافظ، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ه^۱ در کتاب ارزشمند «ینایع المودّه» فصلی را به حضرت بقیّه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، و صدها حدیث معتبر در این رابطه روایت کرده است، از جمله حدیثی است که از جابر بن عبدالله انصاری نقل می

کند:

جابر می گوید: به حضرت رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله - گفتم: آیا پیروان حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت از وجودش بهره مند می شوند؟ فرمود:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، إِنَّهُمْ يَسْتَضِيُّونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ، يَا جَابِرُ هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَأَكْتُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ».

«سوگند به خدائی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، آنان در زمان غیبت از نور او کسب نور می کنند و از ولایتش بهره مند می شوند، آن چنانکه مردم از خورشید بهره می برند، هنگامی که در پشت ابر نهران باشد. ای جابر این از اسرار پنهان و از علوم غیبی پروردگار است، آن را مخفی بدار، جز از اهلش».

- ينابيع المودّه، ص ۴۲۲.

حدیث سی و هشتم

محدث و مورخ شهیر، ابوالعون، شمس الدین، محمد بن احمد حنبلی نابلسی، مشهور به: «محمد سفارینی» متولد ۱۱۱۴ ه. و متوفای ۱۱۸۸ ه. احادیث فراوانی را در کتاب «لوائح الأنوار البهیة» پیرامون حضرت مهدی علیه السلام آورده، از جمله حدیث زیر است:

«لَا تُحْشَرُ أُمَّتِي حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ، يَمِيدُهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ يَخْرُجُ إِلَيْهِ الْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ، وَ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ، وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الشَّرْقِ، حَتَّى يَأْتُوا مَكَّةَ، فَيَسَابِعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، ثُمَّ يَتَوَجَّهُ إِلَى الشَّامِ وَ جِبْرِيلُ عَلَى مُقَدِّمَتِهِ، وَ مِيكَائِيلُ عَلَى يَسَارِهِ، وَ مَعَهُ أَهْلُ الْكَهْفِ أَعْوَانٌ لَهُ، فَيَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ وَ الْوَحْشُ وَ الْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ، وَ تَزِيدُ الْمِيَاهُ وَ تَمْتَدُّ الْأَنْهَارُ، وَ تُضَعْفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا، فَيَقْدُمُ إِلَى الشَّامِ، فَيَأْخُذُ الشُّفَيَانِيَّ، فَيَذْبَحُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ الَّتِي أَغْصَانُهَا

إلى بُحَيْرِهِ طَبْرِيَّةَ»:

«أَمَّتْ مِنْ وَارِدٍ مَحْشَرٍ نَمِيٍّ شَوْدَ تَا مَهْدِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ظَهْرًا كُنْدَ، خَدَاوَنَدِ أَوْ رَا بَا سَهْ هَزَارِ فَرَشْتَهْ يَارِي مِي كُنْدَ. اِبْدَالِ شَامِ، نَجِيْبَانِ مَصْرٍ وَ بَرَكَزِيْدِ كَانِ خَاوَرِ زَمِيْنِ هَمْرَاهِ أَوْ خُرُوْجِ مِي كُنْنَدَ. هَمَكِي دَر مَكَّهْ كَرْدِ مِي آيْنَدَ، وَ دَر مِيَانِ رَكْنِ وَ مَقَامِ بَا أَوْ بِيْعَتِ مِي نَمَايْنَدَ، آنْكَاهِ بَهْ سُوِي شَامِ عَزِيْمَتِ مِي نَمَايْنَدَ، دَر حَالِي كِهْ جَبْرِيْلُ پِيْشَاپِيْشِ آنْ حَضْرَتِ، مِيكَائِيْلُ طَرَفِ چَپِ أَوْ، وَ اَصْحَابِ كَهْفِ دَر حَضْرَتِ آنْ حَضْرَتِ وَ يَاوْرَانِ وِي بَاشَنْدَ.

اهل آسمان و زمین از ظهور او خرسند باشند، پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا شادمانی کنند.

آبها فراوان شود، رودخانه ها گسترش یابند، زمین میوه هایش را افزایش دهد.

آنگاه وارد شام شود و سفیانی را دستگیر کند، و در کنار دریاچه طبریّه، در زیر درختی که شاخه هایش بر فراز دریا گسترده است او را سر می برند».

- لوائح الانوار البهیّه، ج ۲ ص ۷۸.

حدیث سی و نهم

دانشمند معروف، ابو عرفان، محمّد بن علی صَبَّانِ مَصْرِيٍّ، مِتُوْفَايِ ۱۲۰۶ هـ'. دَر كِتَابِ پَر اَرَجِ «إِسْعَافُ الزَّاعِيْنِ» فَصْلِي رَا بَهْ اِحَادِيْثِ حَضْرَتِ وَلِي عَصْرٍ - اَرُوَاْحِنَا فِدَاةٍ - اِخْتِصَاصِ دَاةٍ، اِحَادِيْثِ فَرَاوَانِي رَا دَر اِيْنِ رَابِطَهْ كَرْدِ آوْرْدَهْ، اَز جَمْلَهْ اَز رَسُوْلِ كِرَامِي اسْلَامِ رُوَايَتِ نَمُوْدَهْ كِهْ فَرْمُوْدَ:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِيٍّ، وَجْهُهُ كَمَا لَكَوْكَبِ الدُّرِيِّ، اللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيْلِيٍّ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا، يَرْضَى لِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ»:

«مهدی از تبار منست، چهره اش همانند ستاره ای فروزان، سیمایش سیمای عربی، و هیكلش چون هیكل اسرائیلی است [یعنی: قامتش بلند و رشید] زمین را پر از عدل و داد کند، آن چنانکه پر از ستم

شده باشد. اهل آسمان و زمین از خلافتش دلشاد می شوند».

- إسعاف الرّاعيين، ص ۱۳۴ (در حاشیه نور الأخبار).

حدیث چهارم

حافظ، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ه^۱ در کتاب ارزشمند «ینایع المودّه» فصلی را به حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - اختصاص داده، و صدها حدیث معتبر در این رابطه روایت کرده است، از جمله حدیثی است که از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند:

جابر می گوید: به حضرت رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله - گفتم: آیا پیروان حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت از وجودش بهره مند می شوند؟ فرمود:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ، يَا جَابِرُ هَذَا مِنْ مَكُونِ سِرِّ اللهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَأَكْتُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ».

«سوگند به خدائی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، آنان در زمان غیبت از نور او کسب نور می کنند و از ولایتش بهره مند می شوند، آن چنانکه مردم از خورشید بهره می برند، هنگامی که در پشت ابر نماند باشد. ای جابر این از اسرار پنهان و از علوم غیبی پروردگار است، آن را مخفی بدار، جز از اهلش».

- ینایع المودّه، ص ۴۲۲.

منابع و مآخذ

- ۱ - اثبات الهداه، شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ ه^۱. چاپ ۱۳۹۹ ه^۱. قم.
- ۲ - اثبات الوصیّه، علی بن حسین مسعودی، متوفای ۳۴۹ ه^۱. چاپ نجف.
- ۳ - اخبار الدّول، احمد بن یوسف دمشقی قرمانی، متوفای ۱۰۱۹ ه^۱. چاپ قاهره.
- ۴ - ارشاد شیخ مفید، محمّد بن محمّد بن نعمان، متوفای ۴۱۳ ه^۱. چاپ ۱۳۹۹ ه^۱. بیروت.
- ۵ - أسد الغابه، ابو الحسن عزّ الدّین علی بن محمّد، ابن اثیر، متوفای ۶۳۰ ه^۱. چاپ ۱۲۸۵ ه^۱. قاهره.
- ۶ - إسعاف الرّاعيين، محمّد، ابن صبان

مصری شافعی، متوفای ۱۴۰۶ ه. در حاشیه نور الأبصار.

۷ - الإشاعة لأشراط الساعة، محمد بن رسول برزنجی، متوفای ۱۱۰۳ ه. چاپ ۱۳۷۰ ه.

۸ - اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ه. چاپ بیروت.

۹ - إعلام الوری، امین الاسلام، ابوعلی، فضل بن حسن طبرسی، از علمای قرن ششم، چاپ ۱۳۹۹ ه. بیروت.

۱۰ - أعيان الشیعه، سید محسن جبل عاملی، متوفای ۱۳۷۱ ه. چاپ لبنان.

۱۱ - الزام الناصب، شیخ علی یزدی، متوفای ۱۳۴۳ ه. چاپ ۱۳۹۷ ه. بیروت.

۱۲ - امالی شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ه. چاپ ۱۴۰۰ ه. بیروت.

۱۳ - الامام الجواد من المهدی الی اللحد، سید کاظم قزوینی، چاپ سوم ۱۴۱۴ ه. قم.

۱۴ - الامام المهدی من المهدی الی الظهور، سید کاظم قزوینی، چاپ ۱۴۰۵ ه. بیروت.

۱۵ - انجیل - عهدین - چاپ انجمن پخش کتب مقدسه ۱۹۶۹ م. لندن.

۱۶ - بحار الأنوار، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۰۰ ه. چاپ ۱۱۰ جلدی، تهران.

۱۷ - البدء و التاریخ، ابوزید، احمد بن سهل بلخی، متوفای ۳۲۲ ه. چاپ ۱۸۹۹ م. پاریس.

۱۸ - البرهان، در تفسیر قرآن، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ ه. چاپ تهران.

۱۹ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، علی بن حسام الدین، مشهور به متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ه. چاپ ۱۳۹۹ ه. قم.

۲۰ - البیان فی اخبار صاحب الزمان، محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ ه. چاپ ۱۳۹۹ ه. بیروت.

۲۱ - تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، متوفای ۴۶۳ ه. چاپ بیروت.

۲۲ - تاریخ تمدن، ویل دورانت، چاپ دوّم ۱۳۶۷ ش. تهران.

۲۳ - تاریخ الخلفاء، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ه. چاپ ۱۳۷۱ ه. قاهره.

۲۴ - تاریخ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، متوفای

۳۱۰ هـ! چاپ ۱۴۰۳ هـ! بیروت.

۲۵ - تاریخ فتوحات اسلامی، شکیب ارسلان، متوفای ۱۳۶۶ هـ! ترجمه علی دوانی، چاپ ۱۳۴۸ ش. تهران.

۲۶ - تاریخ مختصر الدول، ابن عبری، غریغور یوس ملطی، متوفای ۶۸۵ هـ! چاپ قاهره.

۲۷ - تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ابن واضح اخباری، متوفای بعد از ۲۹۲ هـ! چاپ ۱۳۸۴ هـ! نجف اشرف.

۲۸ - تبصره الولی، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ! چاپ ۱۴۱۱ هـ! قم.

۲۹ - تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، متوفای ۶۵۴ هـ! چاپ ۱۳۸۳ هـ! نجف اشرف.

۳۰ - تذکره قزطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر انصاری خزرچی اندلسی، متوفای ۶۷۱ هـ! چاپ قاهره.

۳۱ - تفسیر صافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ! چاپ ۱۳۹۹ هـ! بیروت.

۳۲ - تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش سلمی، از علمای قرن سوم، چاپ ۱۳۸۰ هـ! تهران.

۳۳ - التنبیه و الإشراف، علی بن حسین مسعودی، متوفای ۳۴۵ هـ! چاپ قاهره.

۳۴ - تنقیح المقال، شیخ عبدالله ممقانی، متوفای ۱۳۵۱ هـ! چاپ ۱۳۵۲ نجف اشرف.

۳۵ - تواریخ النبّی و الآل، محمد تقی تستری، صاحب قاموس الرجال، چاپ ۱۳۹۱ هـ! تهران.

۳۶ - الثّاقب فی المناقب، ابن حمزه، از علمای قرن ششم، چاپ ۱۴۱۲ هـ! قم.

۳۷ - جامع الاصول، ابو السّعادات، مبارک بن محمد ابن اثیر جزری، متوفای ۶۰۶ هـ! چاپ بیروت.

۳۸ - جزیره خضراء، ناجی نجار، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ هفتم، قم.

۳۹ - حیب السیر، غیاث الدّین بن همام الدّین - خواندمیر - متوفای ۹۴۲ هـ! چاپ سوم ۱۳۶۲ ش. تهران.

۴۰ - حلیه الأولیاء، ابو نعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ! چاپ ۱۳۵۷ هـ!

۴۱ - دلائل الامامه، ابو جعفر، محمد بن جریر طبری، از علمای قرن

چهارم، چاپ ۱۳۸۳ هـ! نجف اشرف.

۴۲ - ذخائر العقبی، محبّ الدّین طبری، متوفّای ۶۹۴ هـ! چاپ ۱۳۵۶ هـ! قاهره.

۴۳ - رجال شیخ طوسی، متوفّای ۴۶۰ هـ! چاپ نجف اشرف.

۴۴ - روزگار رهائی، ترجمه یوم الخلاص، کامل سلیمان - معاصر - مترجم: علی اکبر مهدی پور، چاپ سوّم تهران.

۴۵ - روضه کافی، محمّد بن یعقوب کلینی، متوفّای ۳۲۹ هـ! چاپ بیروت.

۴۶ - روضه الواعظین، ابن فتال نیشابوری، چاپ سنگی ۱۳۰۳ هـ! تهران.

۴۷ - سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، متوفّای ۲۷۵ هـ! چاپ بیروت.

۴۸ - سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفّای ۲۷۵ هـ! چاپ بیروت.

۴۹ - سنن ترمذی، ابو عیسی محمّد بن عیسی بن سوره، متوفّای ۲۷۹ هـ! چاپ ۱۳۵۷ هـ! قاهره.

۵۰ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، متوفّای ۶۵۶ هـ! چاپ ۱۳۷۸ هـ! قاهره.

۵۱ - صحیح مسلم، ابو الحسین، مسلم بن حجّاج قشیری نیشابوری، متوفّای ۱۳۱۴ هـ! چاپ بیروت.

۵۲ - الصّواعق المحرّقه، شهاب الدین احمد بن حجر هیثمی، متوفّای ۹۷۴ هـ! چاپ ۱۳۱۴ هـ! قاهره.

۵۳ - غیبت شیخ طوسی، متوفّای ۴۶۰ هـ! چاپ نجف اشرف.

۵۴ - الفتاوی الحدیثیه، ابن حجر هیثمی، متوفّای ۸۰۷ هـ! چاپ قاهره.

۵۵ - فتوحات مکیه، ابن عربی، متوفّای ۶۳۸ هـ! چاپ بیروت.

۵۶ - فرائد السّمطین، ابراهیم بن محمّد بن مؤید جوینی، متوفّای ۷۳۰ هـ! چاپ ۱۳۹۸ هـ! بیروت.

۵۷ - فرهنگ معین، محمد معین، متوفّای ۱۳۵۰ ش. چاپ ۱۳۶۰ ش. تهران.

۵۸ - الفصول المهمّه، نور الدّین، علی بن محمّد، ابن صباغ مالکی، متوفّای ۸۵۵ هـ! چاپ نجف اشرف.

۵۹ - فیض القدیر، عبدالرزّوف محمّد مناوی، متوفّای ۱۰۳۱ هـ! چاپ ۱۳۹۱ هـ! بیروت.

۶۰ - قادتنا، آیه الله حاج سید

محمد هادی میلانی، متوفای ۱۳۹۵ هـ! چاپ ۱۴۰۶ هـ! بیروت.

۶۱ - قاموس کتاب مقدس، مستر هاگس آمریکائی، چاپ تهران ۱۳۴۹ ش.

۶۲ - القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، احمد بن حجر مکی هیتمی، متوفای ۶۳۰ هـ! چاپ بیروت.

۶۳ - الکامل فی التاریخ، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی کرم شیبانی، ابن اثیر، متوفای ۶۳۰ هـ! چاپ بیروت.

۶۴ - کشف الأستار، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ هـ! چاپ ۱۴۰۰ هـ! قم.

۶۵ - کشف الحق، میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای ۱۲۷۲ هـ! چاپ ۱۳۶۱ ش. تهران.

۶۶ - کشف الغمّه، علی بن عیسیٰ اربلی، متوفای ۶۹۳ هـ! چاپ بیروت.

۶۷ - کفایه الأثر، علی بن محمد بن علی خرازی، از علمای قرن چهارم، چاپ ۱۴۰۱ هـ! قم.

۶۸ - کمال الدین، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ! چاپ ۱۳۵۹ هـ! تهران.

۶۹ - کنز العمال، علاءالدین علی بن حسام الدین، مشهور به متقی هندی، متوفای ۹۷۵ هـ! چاپ ۱۳۹۹ هـ! بیروت.

۷۰ - لسان العرب، ابن منظور، متوفای ۷۱۱ هـ! چاپ ۱۴۰۸ هـ! بیروت.

۷۱ - لوائح الانوار البهیة، شمس الدین محمد بن احمد بن سالم سفارینی، متوفای ۱۱۸۸ هـ! چاپ ۱۳۲۴ هـ! قاهره.

۷۲ - مجمع الزوائد، نور الدین، علی بن ابی بکر، ابن حجر هیتمی، متوفای ۸۰۷ هـ! چاپ ۱۳۵۳ هـ! قاهره.

۷۳ - محاسن برقی، محمد بن خالد برقی، از علمای قرن سوم، چاپ ۱۴۱۳ هـ! قم.

۷۴ - المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۷ هـ! چاپ ۱۴۰۳ هـ! بیروت.

۷۵ - مختصر سنن ابی داود، عبدالعظیم بن عبد القوی منذری شافعی، متوفای ۶۵۶ هـ! چاپ بیروت.

۷۶ - المختصر فی اخبار البشر، عماد الدین

اسماعیل، ابی الفداء، متوفای ۷۳۲ ه. چاپ بیروت.

۷۷ - مدینه المعجز، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ ه. چاپ سنگی.

۷۸ - مرآه العقول، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ه. چاپ ۱۳۹۸ ه. تهران.

۷۹ - مرقاه المفاتیح، علی بن سلطان محمد هروی، مشهور به ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ه. چاپ قاهره.

۸۰ - مستدرک الصحیحین، ابو عبدالله، محمد بن عبدالله نیشابوری، متوفای ۴۰۵ ه. چاپ ۱۳۲۴ ه. حیدرآباد کن.

۸۱ - مسند احمد حنبل، متوفای ۲۴۱ ه. چاپ ۱۳۱۳ ه. قاهره.

۸۲ - مشکاه المصابیح، ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب تبریزی، متوفای بعد از ۷۴۱ ه. چاپ ۱۳۸۲ ه. دمشق.

۸۳ - مصابیح السنّه، حسین بن مسعود بغوی شافعی، متوفای ۵۱۰ ه. چاپ ۱۳۱۸ ه. قاهره.

۸۴ - المصنّف ابن ابی شیبّه، عبدالله بن محمد بن ابی شیبّه عیسی، متوفای ۲۳۵ ه. چاپ ۱۴۰۳ ه. بمبئی، هند.

۸۵ - المصنّف عبد الرزّاق، ابوبکر، عبد الرزّاق بن همام صنعانی، متوفای ۲۱۱ ه. چاپ بغداد.

۸۶ - مطالب السّؤل، کمال الدّین محمد بن طلحه قرشی شافعی، متوفای ۶۲۵ ه. چاپ نجف اشرف.

۸۷ - معالم السنن، شرح سنن ابی داود، ابو سلیمان حمد بن محمد خطابی بستی، متوفای ۳۸۸ ه. چاپ ۱۳۵۲ ه. حلب.

۸۸ - معجم البلدان، یاقوت حموی، متوفای ۶۲۶ ه. چاپ ۱۳۹۹ ه. بیروت.

۸۹ - معجم کبیر، ابوالقاسم، سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ ه. چاپ ۱۴۰۴ ه. بیروت.

۹۰ - المنار المنیف، شمس الدّین محمد بن ابی بکر، ابن قیّم جوزیه، متوفای ۷۵۱ ه. چاپ حلب.

۹۱ - مناقب آل ابی طالب، محمد بی علی بن شهر اشوب، متوفای ۵۸۸ ه. چاپ قم.

۹۲ - منتخب الأنوار المزیئه، سید علی نیلی نجفی، از علمای قرن نهم،

چاپ ۱۴۰۱ هـ. ق.م.

- ۹۳ - مهج الدعوات، سید ابن طاوس، متوفای ۶۶۴ هـ. چاپ ۱۳۲۳ هـ. تهران.
- ۹۴ - موارد الظمان، ابن حجر هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، متوفای ۸۰۷ هـ. چاپ مکه.
- ۹۵ - موسوعه المورد، منیر بعلبکی، معاصر، چاپ ۱۹۸۰ م. بیروت.
- ۹۶ - نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ هـ. چاپ تهران.
- ۹۷ - نهاییه ابن اثیر، ابوالسعادات، مبارک بن محمد جزری، متوفای ۶۰۶ هـ. چاپ ۱۳۶۴ ش. قم.
- ۹۸ - نهاییه ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، متوفای ۷۷۴ هـ. چاپ ۱۳۸۸ هـ. قاهره.
- ۹۹ - ینایع المودّه، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هـ. چاپ هشتم ۱۳۸۵ هـ. قم.
- ۱۰۰ - الیواقیت و الجواهر، عبدالوهاب شعرانی، متوفای ۹۷۳ هـ. چاپ قاهره.

فهرست احادیث

ابشرکم بالمهدی، یبعث فی امتی ۶۳

ابشری بولد یملک الدنیا شرقاً و غرباً ۲۹

اجلی الجبین، اقنی الأنف ۸۱

اذا نادى مناد من السماء انّ الحقّ ۱۰۲

افضل العبادہ انتظار الفرج ۶۷

انّ الامام و حجّه الله من بعدى ابني ۳۳

انّ فی امتی المهدی، ینخرج یعیش خمساً ۹۰

انّ لمهدینا آیتین لم یكونا منذ خلق الله ۸۳

أنا و علی و الحسن و الحسین ۸۷

بأبى و أمى سمى و شيهى ١٤

بلاء يصيب هذه الامه ٨٨

تلك ملائكه السماء نزلت تتبرك ٥٦

الحمد لله رب العالمين ٦

الحمد لله الذى لم يخرجنى من الدنيا ٦

ذلك صاحبكم القائم بأمر الله ١٠

الزابع من ولدى ابن سيده الإمام ١١

سبع سنين، تطول له الايام و الليالى ٩٨

سيكون بعدى خلفاء، و من بعد الخلفاء امراء ٧٧

العجب ان ناساً من امتى يؤمون بالبيت ٦٤

فاذا كان ذلك خرج ابن آكله الأكباد ٦٨

لاتحشر امتى حتى يخرج المهدي، يمده الله ١٠٣

لاتذهب الدنيا حتى يملك رجل من اهل بيتى ٧٣

لاتعجلي يا عمه، فهالك الامر قد

لا تقوم الساعة حتى تطلع الشمس من مغربها ٩٤

لا يخرج المهدي حتى تطلع مع الشمس آية ٦١

لا يزال هذا الدين عزيزاً الى اثني عشر خليفه ٦٥

لن تهلك امه انا في اولها، و عيسى ٩٧

لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطوله الله ١٠١

لو لم يبق من الدهر الا يوم لبعث الله ٧٦

ليه النصف من شعبان يغفر الله لعباده ٧٤

من ابنه قيصر، ملك الروم ٣٣

من حفظ من احاديثنا اربعين حديثاً ٥٩

المهدي من عترتي، من ولد فاطمه ٧٠

المهدي من ولدي، وجهه كالكوكب الدرّي ١٠٥

المهدي منّي اجلى الجبهه، اقنى الانف ٨٢

نحن ولد عبدالمطلب ساهه الجته ٧٩

هذا صاحبكم من بعدي ٥٥

هلمى الى ابني يا عمه ٥٠

والذي بعثني بالحق نبياً انهم يستضيئون ١٠٦

يا اهل الكوفه، انتم اسعد الناس بالمهدي ٦٢

يا با بصير هو الخامس من ولد ابني ١١

يا حبيبتى اما عملت ان الله اطلع ٨٤

يا عمّه استودعناه الذي استوعته ٥١

يجتمع المهدي و عيسى بن مريم، فيجيبى ء ٨٠

يخرج رجل من امتى يقول بستى ٩١

يخرج رجل من اهل بيتى يواطى ء اسمه اسمى ٦٩

يخرج فى آخر امتى المهدي، يسقيه الله ٩٢

يخرج ناس من المشرق، فيوطئون للمهدي ٦٦

يظهر المهدي بمكّه عند العشاء معه رايه ٩٦

يقفو اثرى، لا يخطى ء ٧٨

يكون اختلاف عند موت خليفه ١٠٠

يكون فى آخر امتى خليفه، يحثى المال ٧٥

ينادى باسم القائم فى ليله ثلاث و عشرين ٩٣

ينزل بامتى فى آخر الزمان بلاء شديد ١

٧ ينزل عيسى بن مريم، فيقول اميرهم المهدي ٨٩

به همين قلم در همين رابطه

١ - او خواهد آمد چاپ هشتم

٢ - جزيره خضراء چاپ هفتم

٣ - روزگار رهائى چاپ سوم

٤ - طول عمر امام زمان عليه السلام چاپ دوم

٥ - ميلاد نور چاپ اول

٦ - نقش امام زمان در جهان هستى

چاپ ششم

۷- نور یزدان کتاب حاض

۸- یوسف زهرا - علیها السّلام - چاپ اوّل

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

